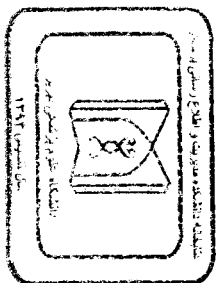




1911
1911



دانشگاه علوم پزشکی تبریز
دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی
شماره اموال: ۴۴۱۸
تاریخ: ۹۵۲/۸

اخلاق حرفه‌ای کتابداران و اطلاع‌رسانان



تقدیم به کتابداران ایران

مترجمان

زرگس خالقی
مهدی محمدی
عبدالحسین طالعی
مهری ایزدی یگانه
امیر متقی دادگر
اکبر مجیدی
زهرا تهوری

ویراسته

دکتر علیرضا اسفندیاری مقدم



فهرست مطالب

۷	پیشگفتار.....
۹	مقدمه.....
۱۱	فصل اول (نزگس خالقی).....
۱۱	کلیات.....
۱۲	ضرورت توجه به اخلاق.....
۱۳	معنای لغوی اخلاق.....
۱۴	جایگاه علم اخلاق در گذرگاه اندیشه بشر.....
۱۵	علم اخلاق.....
۱۶	فلسفه اخلاق.....
۱۸	نظریه های فلسفی اصول اخلاقی.....
۲۰	اخلاق کاربردی.....
۲۳	فصل دوم: اخلاق حرفه ای (نزگس خالقی).....
۲۳	حرفه چیست؟.....
۲۵	ویژگی های حرفه.....
۲۶	تعریف اخلاق حرفه ای.....
۲۷	۱- مسؤولیت های اخلاقی فردی - شخصی.....
۲۸	۲- مسؤولیت های اخلاقی سازمانی.....
۲۸	۳- مسؤولیت های اخلاقی سازمانی.....
۲۹	قواعد تشکیل دهنده اخلاق حرفه ای.....
۳۳	پنج نظام عمده اخلاق حرفه ای.....
۳۳	۱- نظام فایده گرا.....
۳۳	۲- نظام وظیفه گرا.....
۳۳	۳- نظام عدالت فراگیر.....
۳۴	۴- نظام آزادی گرا.....
۳۴	۵- نظریه زیبا و خیر مطلق.....
۳۴	ویژگی های اخلاق حرفه ای.....
۳۵	اخلاق حرفه ای در کتابداری و اطلاع رسانی.....
۳۹	فصل سوم: قوانین اخلاق حرفه ای (نزگس خالقی).....
۴۰	لزوم تدوین قوانین اخلاقی.....
۴۱	وجود مشترک اکثر قوانین اخلاقی.....
۴۲	نقاط ضعف قوانین اخلاقی.....
۴۳	روش های تدوین قوانین اخلاقی.....
۴۹	فصل چهارم: اصول و قوانین اخلاقی در کتابداری و اطلاع رسانی (نزگس خالقی).....
۵۲	مسائل اخلاقی اطلاع رسانی.....
۵۲	الف) اصول اخلاقی در زمینه تولید اطلاعات.....
۵۳	ب) اصول اخلاقی در زمینه اشاعه اطلاعات.....
۵۳	اصل در اختیار بودن.....

انجمن کتابداری قم
اخلاق حرفه ای کتابداران و اطلاع رسانی / تألیف و ترجمه انجمن کتابداری قم،
ویراسته علیرضا اسفندیاری مقدم
تهران: نشر کتابدار، ۱۳۹۴
۱۳۸ ص.

فیبا

موضوع: کتابداری - اخلاق

موضوع: کتابداران، اطلاع رسانی

موضوع: اخلاق حرفه ای

رده کنگره: ۳ الف ۱۳۹۴ الف ۲۷۱۶/۴ Z

رده دیوبی: ۰۳۱/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۷۷۴۴۳۷۰

تقدیم به کتابداران ایران



www.ketabdar.org

mohseni@ketabdar.org

عنوان: اخلاق حرفه ای کتابداران و اطلاع رسانی

تألیف و ترجمه: انجمن کتابداران قم

ویراسته: دکتر علیرضا اسفندیاری مقدم

مجموعه کتابدار، ۸۷، مباحث نظری، ۵

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۶، چهارم، ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۲-۷۵-۷۱۴۳-۹۶۴-۹۷۸

تلفن: ۶۶۴۱۵۵۶۴ / ۶۶۴۱۵۵۶۱

همراه: ۰۹۱۲۱۸۸۲۵۸۱

فصل اول

کلیات

اهمیت اخلاق و تهذیب دل‌های آدمیان بر کسی پوشیده نیست. یکی از عوامل مهم به‌رمانندی از سعادت دنیوی و اخروی، اخلاق نیک و زدودن زشتی‌ها و آراستگی به خوبی‌هاست. رعایت اصول اخلاقی و توجه به این اصول در زندگی بشر همواره مورد توجه بوده است و تاریخ گواه آن است. نظام‌های اخلاقی به عنوان مجموعه‌هایی مشتمل بر ارزش‌ها و در بر دارنده دستورهایی برای انصاف به خوی‌ها و کردارهای نیک و انجام دادن اعمال پسندیده و دوری‌گزیدن از خوی‌ها و کردارهای ناپسند در میان بسیاری از ملل باستانی دیده می‌شود و شکل‌گیری آنها به عنوان علم اخلاق در تمدن‌های گوناگون عهد باستان مسیری موازی را طی کرده است. به ویژه ایرانیان که همیشه پندها و اندرزهای اخلاقی را در تزیین لباس‌ها، حاشیه فرش‌ها، کناره سفره‌ها، لیه آلات و ظروف، بر روی شیشه‌ها و آلات چنگی، بر سر در خانه‌ها و حتی بر گرد گوه‌ها می‌نوشته‌اند.^۱ مجموعه ای از این سخنان حکمت‌آمیز در مجموعه‌هایی به نام "اندرز نامه" یا "پند نامه" گردآوری شده است که "اندرز آذریب مهر اسپندان"، "اندرز زرتشت پسر آذریب مهر اسپندان"، و "اندرز آذریب زرتشتیان نوه آذریب مهر اسپندان" از آن جمله است.^۲

در آثار عالمان مسلمان نیز در مورد اخلاق به طور مثال می‌توان به "تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق" ابن مسکویه، "اخلاق ناصری" خواجه نصیرالدین طوسی، "جامع السماعات" نراقی و "محجه البیضاء" فیض کاشانی اشاره کرد.^۳

همچنین، اخلاق‌ورزی همواره یکی از توصیه‌های پیامبران به پیروان خود بوده است. متکلمان مسلمان در تبیین "هدف بعثت انبیاء" سه نظرگاه عمده دارند که شامل

در پایان، امید می‌رود اتحاد کتابداران بیش از پیش، خود را به زبور اخلاق حرفه‌ای بیاریند تا در سایه نیک‌پنداری، نیک‌گفتاری و نیک‌کرداری، به بند بند قوانین اخلاق حرفه‌ای جامه عمل ببوشانند و نیک‌نامی و خوش‌نامی حرفه کتابداری را تضمین کنند.

همچنین، در این مجال جا دارد از کلیه عزیزانی که در تدوین این کتاب همکاری نمودند سپاسگزار می‌شود:

استاد فرزانه، جناب آقای دکتر رحمت الله فتاحی که چون همیشه، کتابداران را در تحقق رسالت‌های خود مشوق و پشتیبان بوده‌اند، استاد ارجمند سرکار خانم دکتر مهری پریخ که با نظرات ارزشمندشان، در تدوین و نگارش نهایی اثر حاضر ارائه طریق کردند. انجمن کتابداری قم از جمله آقایان عبدالحسین طالعی (ریاست انجمن)، مهدی محمدی (دبیر انجمن)، عبادالله، احمدلو، بذرافشان، کریمی، دادگر، مجیدی، و نیز، خانمها نرگس خالقی که نقش بسزایی در گردآوری مباحث ابتدایی این کتاب ایفا نمود، ایزدی یگانه، تهوری، مظفری، سیامک، خیابان، طباطبایی و سایر دوستانی که در ترجمه‌های فصل پنجم کتاب همکاری کردند. همچنین، بدین وسیله، از مساعدت‌های جناب آقای دکتر فریدونی، ریاست محترم نهاد کتابخانه‌های عمومی قم، تشکر و قدردانی می‌شود. بعلاوه، نهایت سپاس و امتنان خود را از مدیریت محترم نشر کتابدار، جناب آقای محسنی که صمیمانه مراحل انتشار این اثر را پیگیری نمودند، ابراز می‌داریم.

در خانه، از خوانندگان ارجمند اعم از استادان، دانشجویان، کتابداران و کاربران دعوت می‌شود با ارائه نظرات ارزنده خود، ما را در زدودن کاستی‌های این اثر راهمسانی نمایند. به همین منظور، می‌توانند از طریق نشانی زیر با انجمن کتابداری قم مکاتبه کنند:

www.gomlib.blogfa.com

علیرضا اسفندیاری مقدم

عضو هیات علمی گروه کتابداری
دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

۱. غلامرضا انواری، "اخلاق"، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۲۰۱.

۲. احمد بن محمد بن مسکویه، چاپودان خود، ترجمه تقی الدین محمد شوشتری، (تهران: کاوش، ۱۳۷۴) نقل در محمد تقوی نژاد، "از حکمت عملی تا اخلاق حرفه‌ای"، آینه پژوهش، شماره ۸۷، سال ۱۳، ص ۵۶.

۳. زهرا مدرس‌مصلی، "نظریه اخلاقی ملاصدرا"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فاسقه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، ۱۳۸۴، ص ۱۸.

به طور مثال، تصور کنید که اگر ما نمی‌توانستیم به مردمی اعتماد کنیم که از آنها انتظار راستی و صداقت داریم، آن‌گاه چه روی می‌داد. در جامعه، نیاز به اصول اخلاقی به قدری اهمیت دارد که اکثر ارزش‌های اخلاقی معتبر به کتب خشک قوانین و مقررات راه برده‌اند (به طور مثال قوانین رانندگی مستان). بیکره عظیمی از ارزش‌های اخلاقی یک جامعه را نمی‌توان به قانون الحاق و منضم کرد، زیرا این ارزش‌ها ماهیتی قضاوتی پذیر دارند. داشتن قوانین حاکم بر دزدی، دروغ‌گویی یا دیگر نیرنگ‌ها امری شدنی و ممکن است، اما وضع قوانین معنی‌دار در مورد اکثر اصول اخلاقی چون صداقت، وفاداری و برتری، خواهی به مراتب مشکل‌تر است. اما این بدان معنا نیست که ماهیت ذهنی آنها ارزشی قضاوتی پذیر به آنها می‌دهد.

همچنین، از نظر مطهری^۱، از آن‌جا که انسان به لحاظ غریزه و صفات اولیه طبیعی که برایش لازم و ضروری است بسیار ضعیف و ناقص است و در خود طبیعت بشر این استعداد وجود دارد که بشر خودش آن خلقی را که لازم است، انتخاب و اختیار کند، از این رو، نیازمند به اخلاق است تا نقص و ضعف خود را بر طرف نماید و بشر به قدرت اندیشه و اراده خود احتیاج به یک نظام اخلاقی دارد.

معنای لغوی اخلاق

با توجه به صفات و خصوصیات مختلف انسانها از قبیل شجاعت، سخاوت و امانت داری یا بردلی و بخل و خیانت متوجه می‌شویم که این صفات در برخی انسانها نهادینه شده است، به طوری که کارهای متناسب با این صفات را بدون تفکر و تأمل انجام می‌دهند. اما در مقابل، بعضی دیگر گاه این کارها را با تفکر و تأمل انجام می‌دهند و احیاناً به سختی خود را به انجام آن وادار می‌سازند. در مواردی که انسان کارهای متناسب یا صفتی را بدون تفکر و تأمل و به راحتی انجام دهد، گویا که آن صفت در روح او رسوخ کرده و به صورت پایدار در آمده است، آن صفت را برای او "ملکه" می‌نامند و در حالتی که چنین نباشد و شخصی با تأمل و تفکر زیاد خود را مجبور به کاری کند که با صفتی خاص متناسب است، آن صفت را برای او "حال" می‌نامند. "خلق" در لغت به معنای همان صفت پایدار یا ملکه می‌باشد. ملا صدرا نیز ملکه را صفت راسخ نفسانی می‌داند.^۲ اخلاق در لغت جمع خلق و خلق می‌باشد.^۳ علامه مجلسی در تعریف اخلاق می‌گوید: "اخلاق ملکه‌ای نفسانی است که کار به آسانی از آن صادر می‌شود. برخی از این

دنیاگرایی، عقباگرایی و دیدگاه جامع‌گرایانه است. بنا بر هر سه دیدگاه اخلاق‌ورزی و ترفیغ بشر به زندگی اخلاقی یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیاء محسوب می‌شود.^۱ امروزه نیز اخلاق، موضوعی است که توجه زیادی را در جوامع به خود معطوف کرده است. به اعتقاد جوزفسون^۲، اخلاق گرای امریکایی قرن بیستم و بیست و یکم، دلیل توجه به اخلاق دو نشانه بارز است: اول نقش مهم و پر معنای رفتار اخلاقی در حفظ و بقای یک جامعه مدنی و دوم، وجود تعدادی پرشمار از نمونه‌های ضد اخلاقی.

ضرورت توجه به اخلاق

به گفته فرانکنا^۳، ضرورت اخلاقی بودن یا این که چرا باید اخلاقی باشیم، یک سؤال مبهم است چون می‌تواند سؤال در مورد انگیزه اخلاقی بودن باشد یا توجیه اخلاقی. بدین معنا که انگیزه شما از این که دیدگاهی اخلاقی را اتخاذ می‌کنید و یا به اخلاقیات عمل می‌کنید چیست؟ و سؤال دیگر این است که اموری را که از لحاظ اخلاقی درست هستند چگونه توجیه می‌کنید؟ اگر این سؤال در مورد انگیزه باشد، جواب آن انگیزه‌های مصلحت‌اندیشانه یا غیر مصلحت‌اندیشانه است ولی اگر مراد از این سؤال توجیه باشد، در جواب آن می‌توان توجیه اخلاقی یا غیر اخلاقی ارائه کرد. اما آن‌چه به لحاظ اخلاقی درست است نیازی به توجیه اخلاقی ندارد، زیرا توجیه آن با اثبات این که این کار درست است ارائه شده است. در توجیه غیر اخلاقی، می‌توان از دو جنبه اجتماعی و فردی به آن نگاه کرد. از جنبه اجتماعی یعنی این که چرا جامعه باید بر قانون و مصلحت اخلاقیات را نیز بپذیرد؟ یعنی چرا جامعه به اخلاق نیازمند است؟ و از جنبه فردی آن یعنی این که چرا یک انسان باید اخلاق را بپذیرد و بر طبق آن رفتار کند؟ در صورتی که از جنبه اجتماعی به آن نگاه کنیم، آشکار است که در صورت عدم پذیرش اخلاقیات، شرایط حیات انسانی رضایت بخش برای مردمی که در اجتماع زندگی می‌کنند به دست نمی‌آید.^۴ اما از جنبه فردی، توجیه عدم پذیرش اخلاق، توجیهی خودگردانه یا مصلحت‌اندیشانه به نظر می‌رسد، که به نوبه خود، توجیه درستی نیست. بنابراین، منطق حکم می‌کند که انسان شیوه زندگی خود را بر اصول اخلاقی بنا کند. در همین راستا، جوزفسون^۲، رفتار اخلاقی را لازمه کارکرد بسامان یک جامعه می‌داند. به زعم وی، اصول اخلاقی همانند حلقه‌ای افراد جامعه را در کنار هم و با هم نگه می‌دارد.

۱. مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، (رای جا): سورمه، ۱۳۷۶، ص. ۷۵-۳۳۷. نقل در رقیه بزرگ، ص. ۱۰.
 ۲. صدرالدین محمد شیرازی (صدر المتألهین)، الحکمۃ العلییه الاربعة (المفکر اربعه)، (بیروت): دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص. ۱۱. نقل در زهرا مدرسی، ص. ۵.
 ۳. ابوالیس مالوف، السمجد فی اللغه، ذیل "اخلاق" (رای جا): انتشارات غدیر، ۱۳۸۱، ص. ۱۹۴.
 ۴. محمد تقوی تازاد، ص. ۵۴.

۱. مایکل جوزفسون، "اصول اخلاق حرفه‌ای"، ترجمه امیربویا نسبی، حسابدار، سال چهارم، شماره ۱۳۷، سال ۱۳۸۱، ص. ۱۷.
 ۲. ویلیام کی. فرانکلنا، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، [ای نا]، ۱۳۷۶، ص. ۴۳. نقل در رقیه بزرگ، "ترسی تطبیقی اخلاق راسط و امام خمینی"، (وبان‌نامه کارشناسی رشد، دانشگاه اسلامی، دانشگاه قم، ۱۳۸۲)، ص. ۹-۱۰.
 ۳. مایکل جوزفسون، ص. ۲۰.

حکمت، عبارت است از علم به حقایق اشیاء آن چنان که در واقع هست، به اندازه توان آدمی، اشیاء که موضوع معرفت بشری است به دو گونه اند:

- ۱- اشیایی که وجودشان از حوزه قدرت و اختیار انسان بیرون است
 - ۲- اشیایی که وجودشان وابسته به اراده و اختیار انسان است (افعال اختیاری)
- دسته نخست موضوع حکمت نظری و گروه دوم موضوع حکمت عملی را تشکیل می دهد.

بنابراین، حکمت عملی در برگزیده دانش‌هایی است که درباره افعال اختیاری انسان و این که کدام عمل شایسته تحقق و کدام سزاوار ترک است، سخن می گوید. حکمت عملی به سه شاخه منشعب می شود:

- ۱- علم اخلاق، که درباره افعال فردی سخن می گوید و این که از میان افعال اختیاری کدامین به سعادت و کدامین به شقاوت می انجامد.
 - ۲- علم تدبیر منزل، که روش اداره زندگی خانوادگی را بیان می کند.
 - ۳- علم سیاست، که شیوه بهتر اداره کردن جامعه را می آموزد.
- بر پایه این تقسیم بندی، علم اخلاق، شاخه‌ای از حکمت عملی است.^۱

علم اخلاق

علم اخلاق از صفات فاضله و رذیله (خوب و بد) که از طریق کارهای اختیاری و ارادی در انسان قابل کسب هستند، بحث می کند و چنین صفاتی موضوع علم اخلاق هستند. به نظر عالمان اخلاق مسلمان، هدف علم اخلاق، آراستن نفس به خلق‌های پسندیده است و فعل پسندیده و کار نیک در واقع وسیله‌ای برای تحقق صفات راسخ نیکو در جان آدمی است. این دیدگاه ریشه در انسان‌شناسی خاص این عالمان دارد که گوهر وجودی آدمی را نفس و روح او دانسته و کمال انسان را نیز به کمالات روحی او می دانند.^۲

برخی از بزرگان، علم اخلاق را به معنای شناخت فضایل و رذایل اخلاقی دانسته اند. محقق طوسی در تعریف علم اخلاق می گوید: "آن علمی است به آن که نفس چگونگی خلقی اکتساب تواند کرد که جمالی احوال و افعال که به اراده او از او صادر می شود، جمیل و محمود بود."^۳

۱. علی شروانی، فرا اخلاق، (لی جا) پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دفتر اندیشه جوان، ۱۳۷۶، ص. ۱۳-۱۴.
 ۲. مجتبی مصباح، فلسفه اخلاق، (قم) موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۱۶.
 ۳. خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تنقیح و تصحیح مجتبی میبوی و علیرضا حیدری، (تهران: شرکت افست، ۱۳۶۰)، ص. ۲۷.

ملاکات فطری و ذاتی اند و پاره‌ای از آنها نیز با تفکر و تلاش و تمرین عادت دادن نفس به آنها، به دست می آیند... چنان چه بخیل ابتدا با سختی و جان کندن، چیزی را می بخشد، اما در اثر تکرار بخشش به صورت خوی و عادت او در می آید."^۱

فیض کاشانی نیز اخلاق را این گونه تعریف می کند: "اخلاق هیئتی است استوار و راسخ در جان، که کارها به آسانی و بدون نیاز به تفکر و اندیشه از آن صادر می شود. اگر این هیات به گونه‌ای باشد که افعال زیبا و پسندیده از نظر عقل و شرع، از آن صادر شود، آن را اخلاق نیک نامند، و اگر افعال زشت و ناپسند از آن صادر شود، آن را اخلاق بد گویند."^۲

علامه جعفری^۳ در کتاب "اخلاق و مذهب"، در تعریف اخلاق می گوید: "اخلاق عبارت است از انجام کار نیک و دوری از کار زشت با بهره برداری از آزادی یعنی بدون این که صدور آن کار از ما به جهت عوامل مکانیکی صد درصد مشخص شده باشد. البته ریشه اساسی آن هم عبارت است از همان جستجوی کمال."^۴

بحث‌های فراوانی در مورد منشأ پیدایش این صفات پایدار نفسانی صورت گرفته است. بعضی معتقدند که این صفات صرفاً در اثر تکرار عمل حاصل می شوند، چنان که عده‌ای از فیلسوفان غربی نیز در تعریف فضایل اخلاقی گفته‌اند: ملاکات یا ویژگی‌هایی هستند که کاملاً ذاتی نباشند، همه آنها باید دست کم تا حدی به وسیله تعلیم و ممارست و یا شاید با موهبت به دست آمده باشند.^۵

برخی دیگر، منشأ آنها را وراثت و محیط اجتماعی و عواملی از این قبیل جسته اند و دسته سوم نیز آنها را ذاتی و فطری پنداشته اند، حال آن که در مفهوم خلق و ریشه لغوی آن هیچ یک از این امور لحاظ نشده است. البته لازم به ذکر است که توجه کنیم معنای لغوی اخلاق مخصوص صفات نیک و پسندیده نیست بلکه شامل صفات زشت و بدی هم که در نفس ایجاد می شود نیز می باشد.

جایگاه علم اخلاق در گذرگاه اندیشه بشر

بر اساس یک تقسیم بندی کلی که پیشینه آن به فلاسفه یونان می رسد و نزد فیلسوفان مسلمان پذیرفته شده است، تمام علوم بشری به دو بخش کلی تقسیم می - گردد: حکمت نظری و حکمت عملی.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر الخیر الاطهار، (تبروت: موسسه الوفاء، ا.ت.ا، ج ۶۷، ص. ۳۷۲. نقل در زهر مدبری، نظریه اخلاقی ملاحظرا، ص. ۶.
 ۲. محمد بن المرتضی (ملا محسن کاشانی)، المحججه البیضاء فی تهذیب اهل بیت، ج ۵، ص. ۸۵. نقل در زهر مدبری، ص. ۷.
 ۳. فیض کاشانی، اخلاق، (تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۷۹)، ص. ۵۹.
 ۴. سید محمد تقی جعفری، اخلاق و مذهب، (تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۷۹)، ص. ۵۹.
 ۵. ویلیام کی، فراگناه، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، (قم: موسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۶)، ص. ۱۴. نقل در زهر مدبری، ص. ۷.

"فلسفه اخلاق" با این بعد از تجربه ما از ارزش - یعنی با اندیشه اخلاقی - سر و کار دارد.^{۱۱}

در علم اخلاق، گزاره‌هایی وجود دارد مانند "ظلم کار ناپسندی است"، "عدالت خوب است"، "وفای به عهد وظیفه هر انسانی است" و... بررسی مفاهیمی که در این فضا یا به کار می‌روند مانند: ظلم، عدالت، وفای به عهد که موضوع این فضا یا هستند و مفاهیمی مانند ناپسند، خوب، وظیفه و... که محمول این گزاره‌ها هستند، در علم اخلاق انجام نمی‌شود. به عنوان مثال، این که خوبی دقیقا چگونه مفهومی است؟ حدود آن چیست؟ ذهنی است یا خارجی؟ چرا انسان باید اعمال خوب انجام دهد؟ افعال اخلاقی را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ اخلاق مطلق است یا نسبی؟ بحث و بررسی این موارد به علم دیگری به نام "فلسفه اخلاق" نیاز دارد. پس در مجموع می‌توان گفت: "فلسفه اخلاق، علمی است که از مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق بحث می‌کند. یعنی هم تصورات و مفاهیمی را که در علم اخلاق و جملات آن به کار می‌روند توضیح می‌دهد و هم مسائلی را که پرداختن به تصدیقات و جملات اخلاقی متوقف به بررسی و حل آنها می‌باشد، مورد بحث قرار می‌دهد."^{۱۲}

معمولا مجموعه مطالعات و بررسی‌های فلسفی مربوط به اخلاق یعنی همان مباحث فلسفه اخلاق، را به دو بخش "هنجاری" و "فرااخلاق" تقسیم می‌کنند.

کار اخلاق هنجاری، دفاع از نظریه‌ای اخلاقی و عرضه نظریه‌ای ارزشی برای تبیین آن است.

در فرااخلاق بحث بر سر دفاع از نظریه خاص اخلاقی نیست، بلکه فرااخلاق به تحلیل احکام اخلاقی و معنای مفردات آنها می‌پردازد و این که آیا جمله اخلاقی اخباری است یا انشایی یا این که تحلیل معنای خوبی و بدی چیست.^{۱۳}

به طور کلی، می‌توان گفت موضوع اخلاق هنجاری، فعل اختیاری انسان است و به دلیل آن که این شاخه از اخلاق، راهنما و ناظر افعال اختیاری است، گاه به نام "اخلاق درجه اول" نیز خوانده می‌شود. هدف اخلاق هنجاری، شناسایی و تبیین اساسی‌ترین احکام اخلاقی درباره درست و نادرست، خوب و بد یا باید‌ها و نباید‌های اخلاقی است و شاخه‌ای از آن به نام "اخلاق کاربردی" به تعیین درستی و نادرستی اموری مانند سقط جنین، کشتن از روی ترحم، نژادپرستی، روابط شخصی و... می‌پردازد. به بیان دیگر،

محمد مهدی نراقی^۱ در جامع السادات در تعریف علم اخلاق می‌گوید: "علم اخلاق، دانش صفات مهلکه و منعیه و چگونگی موصوف شدن و متعلق گردیدن به صفات نجات بخش و رها شدن از صفات هلاک کننده می‌باشد."^{۱۴}

بر خلاف این تعاریف، که بیشتر به صفات و ملکات اخلاقی توجه داشته‌اند، بسیاری از دانشمندان و فیلسوفان غربی، خود رفتار و اعمال را مورد توجه قرار داده‌اند و در نتیجه، رفتارهای خارجی انسان که به صورت اختیاری از او صادر می‌شود را موضوع اخلاق می‌دانند، نه ملکات و صفات انسانی او را.

به عقیده ژکس^۲ "علم اخلاق عبارت است از تحقق در رفتار آدمی بدان گونه که باید باشد. وی در ادامه، می‌افزاید که علم اخلاق را نباید با علم مطالعه اخلاقیات و آداب اشتباه کرد، زیرا علم اخلاقیات به مطالعه رفتار آدمی چنان که هست می‌پردازد و قوانین حاکم بر آنها را به دست می‌آورد، در صورتی که علم اخلاق، برعکس، بدین مهم توجه دارد که عمل آدمی برای کامل بودن و خیر را تحقق بخشیدن، چگونه باید باشد.

فولکبه^۳، در تعریف علم اخلاق جنبه رفتار را مورد توجه قرار می‌دهد و علم اخلاق در نظر او چنین است: "مجموع قوانین رفتاری که انسان به واسطه مراعات آن می‌تواند به هدفش برسد."^{۱۵}

در عین حال، برخی فلاسفه حکمت عملی و اخلاقی را به صورتی تعریف کرده‌اند که تقریبا هردو حیث را شامل می‌شود. صدرالمسائلهین^۵ می‌گوید: "گاهی از حکمت عملی اراده می‌شود نفس ملکات و صفات و گاه علم به چنین صفاتی، و گاه اراده می‌شود اعمال و رفتاری که از چنین صفاتی صادر می‌شود. مقصود از حکمت عملی که در کنار حکمت نظری ذکر می‌گردد، علم به ملکات و صفات است مطلقا و آن چه که از این کلمات صادر می‌شود."^{۱۶}

فلسفه اخلاق

همه ما در باره ارزش زندگی و اعمال خود و دیگران گاه با واژه‌های علم اخلاقی حکم می‌کنیم. مثل این که شخصی را خوب یا بد و یا عملی را صواب یا خطا می‌دانیم.

۱. دیوید مک ناوین، بصیرت اخلاقی، ترجمه محمود فتعی، (قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۰)، ص. ۱۹.

۲. نقل در انسیه مدنی، تبیین فلسفی نقش عواطف و احساسات در اخلاق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، ۱۳۸۳)، ص. ۶.

۳. مجتبی مصباح، ص. ۱۸.

۴. زهر مدرسین مطلق، ص. ۱۵.

۱. محمد مهدی نراقی، جامع السادات، (قم: انتشارات دارالتفسیر، ۱۳۷۶)، نقل در زهر مدرسین، ص. ۹.

۲. ژکس، فلسفه اخلاق (حکمت عملی)، ترجمه سید ابوالقاسم پورحسینی، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲)، ص. ۲۷.

3. Foulque

۴. سید محمدمرتضای مدنی، فلسفه اخلاق، (تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۱)، ص. ۱۸۰.

۵. صدرالذین محمد شیرازی (صدرالذین المسائلهین)، اسفار ربعه، ج ۴، ص ۱۱۶، نقل در زهر مدرسین، ص. ۱۱.

از دیدگاه وی، ریشه همه اخلاق‌ها، عدالت است و عدالت به معنای عام را موزون بودن می‌داند که شامل همه فضایل می‌شود و آنگاه اخلاق فاضله را حد وسط قرار می‌دهد یعنی اخلاق موزون. به عنوان مثال، انسان به جای این که درشت یا نرم‌خو باشد، حالت وسطی میان درشتی و نرمی هست که در آن حالت، انسان خیلی زیباتر و متناسب تر است. یعنی در صورتی که قوا و غرایز در حد افراط و تفریط نباشند، و میان عوامل خلقی فرد، زیبایی و تناسب باشد، اخلاق عالی بوجود می‌آید و از آن جا که انسان محیط اجتماعی دارد و شرایط اجتماعی را نیز به طور خود کار ندارد و باید با فکر و اراده خود آن را بسازد، دشواری کار زندگی بشر، نمودار می‌شود.^۱ این نظریه، نظریه فضیلت‌گرایی یا فضیلت‌مداری نام گرفته است.

جان استوارت میل^۲ (۱۸۷۳ م.) و جریمی بنتام^۳ آن را بر مدار نفع و فایده عمومی، تفسیر کرده‌اند. آنها، همچنین معتقد بودند "باید عملی را اختیار کرد که خوشی حاصل از آن بیشتر، بادوام‌تر، موثرتر و شامل حال جمعیت بیشتری باشد و از عملی که زنجی از آن برآید دوری جست". به عبارت دیگر، اساس اخلاق، سودخواهی و جلب خوشی است. در واقع پیرامون این نظریه، جز سود و لذت، چیز دیگری را در عالم منطقی نمی‌دانند و می‌گویند آدم عاقل آن است که دنبال خوشی و لذت برود.^۴ این نظریه به نظریه سودگرایی یا اصالت منفعتی مشهور است.

نظریه پردازانی مانند آدام اسمیت^۵ (۱۷۹۰ م.) و هربرت اسپنسر^۶، شوپنهاور^۷ (۱۸۶۰ م.) و آگوست کنت^۸ (۱۸۵۷ م.)، اخلاق را در پیوند با عاطفه، تفسیر و نظام اخلاقی پیشنهادی خود را بر همین اساس ارائه می‌دهند. آنها معتقدند: کار اخلاقی، کاری است که از عاطفه‌ای عالی تر از تمایلات فردی، یعنی عاطفه غیر دوستی، سرچشمه می‌گیرد.^۹

نیچه^{۱۰} (۱۹۰۰ م.)، اخلاق را با مقوله قدرت در ارتباط می‌بیند. نیچه می‌گوید: "هر چه به قدرت بیانجامد و قدرت انسان را بیشتر کند، اخلاقی است و هر چه موجب ضعف انسان شود، غیر اخلاقی است"^{۱۱}.

۱. رفیه بزرگ، ص. ۱۷۸.

جمال خانی جزئی، ص. ۴۰۱۳۰.

جمال خانی، جزئی، ص. ۹۰۱۳۰.

همان، ص. ۱۱۰۱۳۱.

1. Mill, Joun,S
2. Bentham, J
3. Smith, A
4. Spencer, H
5. Schopenhaver
6. Kant, V
7. Niche

اخلاق کاربردی، کاربرد این نظریه‌ها در بیان عمل است و کارکرد اخلاق هنجاری است^۱، اما پیش از پرداختن به مبحث اخلاق کاربردی به مرور برخی از مهم‌ترین نظریه‌های فلسفی در زمینه اصول اخلاقی می‌پردازیم.

نظریه‌های فلسفی اصول اخلاقی

در طول تاریخ علم اخلاق، نظریه‌های متفاوتی در قالب مکاتب مختلف، از سوی اندیشمندان و فیلسوفان غربی و شرقی در حوزه فلسفه اخلاق ارائه گردیده است. در این نوشتار، به طور خلاصه، به برخی از این نظریات اشاره می‌شود:

ایبیکور^۲ (۲۷۰ ق. م.)، اخلاق را با محوریت لذت تعریف می‌کند، البته لذت‌های زودگذر، منفور یا مطرود، مورد نظر نیست؛ بلکه مراد، لذت‌هایی است که بقای انسانی وابسته به آن است. او اعتقاد داشت بر خلاف طبیعت نباید رفتار کرد، بلکه باید از آن تبعیت کرد. ما زمانی از طبیعت پیروی می‌کنیم که خواهش‌های ضروری و حتی جسمانی خود را که منشا زبان و زنجی برای ما نیستند، برآورده سازیم.^۳

افلاطون (۳۴۷ ق. م.)، پایه اخلاق را بر عدالت قرار داده، یعنی اخلاق را مساوی عدالت می‌داند و عدالت را مساوی با زیبایی، چرا که معتقد است اخلاق مربوط به روح زیباست نه این که کار اخلاقی به خودی خود زیباست و زیبایی کار به تبع زیبایی روح است.^۴

به دلیل محوریت فضایل در نزد ارسطو (۳۸۴ ق. م.)، نظریه مورد تأیید وی، اخلاق فضیلت می‌باشد. از نظر ارسطو، یک موجودیت اخلاقی، یعنی بودن بسان نوع خاصی از انسان که حکیمانه می‌زند. چنین شخصی، به دقت، همچون کسی زندگی می‌کند که از زیاده روی مفرط می‌پرهیزد. اجتناب از زیاده‌گویی و ملاحظه و رعایت افراد دیگر در رفتار (نه خیلی گستاخ و نه خیلی ملایم بودن) مثال‌های چنین سبک و شیوه زندگی هستند، از نظر ارسطو، نکته کلیدی این است که این افراد به نوعی تعادل و توازن در شیوه و سبک زندگی دست می‌یابند. این توازن به "اصل میانگین طلایی"^۵ مرسوم شده است. تحقق اصل میانگین طلایی به این معناست که کسی تحت سیطره غرایز خارج از کنترل خود نباشد.^۶

۱. اربرت ال هولمز، مبانی فلسفه اخلاق، ترجمه سمود علیا، تهران: ققنوس، ۱۳۸۲، ص. ۳۹-۴۰.

۲. اپیکور، اخلاق و فناوری اطلاعات، تهران: بقعه، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۹-۱۳۰، ۳.

همان‌جا، ۴.

۳. پیتیر سجویک، "فلسفه اخلاق کاربردی ارسطو"، ترجمه حامد حاجی‌خجری، رسالت، ۱۳۸۱/۶/۳۱.

4. The Golden Mean

اندیشه آن جدید نیست. به طور سنتی، فلسفه، هم خود را با پریش اخلاق فردی (من چه باید بکنم؟) مشغول می‌کند و هم به مساله اخلاق عمومی (جامعه خوب چیست؟) می‌پردازد. اما اگر چه این مسائل برای فلسفه اخلاق کاربرد، اساسی و مبنا هستند، در عین حال، می‌توان گفت که این پریش‌ها وجه شاخص اخلاق به معنای اعم را تشکیل می‌دهند. بنابراین، اخلاق کاربردی، به طور عمده، به عنوان بخشی از فلسفه اخلاق که التفات ویژه و مستقیمی به مباحث و مجادلات کاربردی دارد جلوه‌گر می‌شود. در حوزه خصوصی، آن به مسائل مربوط به خانواده و یا پریش‌های مرتبط با روابط شخصی دوستانه یا مراقبت از سالمندان یا معلولان و یا پرورش اخلاقی جوانان ربط می‌یابد.

فلسفه اخلاق کاربردی در قلمرو عمومی ممکن است به ارزیابی سیاست‌گذاری در پرتو پیشرفت‌های فناوری زیست- پزشکی و یا بررسی تعهدات و وظایف بین‌المللی در قبال نسل‌های آینده با توجه به مسائل زیست- محیطی بپردازد. قلمرو عمومی، همچنین شامل مجموعه‌ای از مباحث مربوط به قومیت یا جنسیت در ربط با مسائل تبعیض، تفاهم فرهنگی و تسامح؛ ممکن است فلسفه اخلاق کاربردی، گسترده‌تر از این، به مباحث مربوط به فلسفه سیاسی همچون تروریسم و فلسفه اخلاق جنگ گسترش یابد. در همه این موارد، دل مشغولی اخلاق کاربردی، نه تنها یک منظر اخلاقی فردی را پشتیبانی می‌کند، بلکه خطوط راهنمایی برای سیاست‌گذاری عمومی نیز ترسیم می‌نماید. همانطور که اشاره شد، "اخلاق کاربردی" همچنین شامل "اخلاق حرفه‌ای" نیز هست. اخلاق کاربردی دشواری‌ها و چالش‌های اخلاقی که کارمندان و دست‌اندرکاران امور بهداشتی (پزشکان، پرستاران، مشاوران، روان‌پزشکان و دندان‌پزشکان) و طیف گسترده‌ای از کارگران و کارمندان در دیگر حرف‌مانند حقوق دانان، حسابداران، مدیران، روسا، کسبه، پلیس و مأموران اجرای قانون با آن مواجهند را بررسی می‌کند. این امکان وجود دارد که مباحث خاص اخلاقی مانند رازداری، صداقت، یا تضاد منافع در همه یا برخی از این حوزه‌ها پدید آیند و غالب اصناف و حرفه‌ها در بی‌آند تا رویکردهای خود را قاعده مند کنند و رهنمودی برای اعضای خود ارائه دهند.

پس فلسفه اخلاق کاربردی، بخشی از یک پیش کامل به شرایط انسانی است و منظر گسترده‌ای از تصمیم‌سازی اخلاقی را در بر می‌گیرد. ضرورتاً، این تصمیم‌سازی اخلاقی است که به عنوان سیاست عملی قلمداد می‌شود؛ این سیاست عملی، محدودیت‌های هنجارهای اخلاقی، حقوق و اصول اخلاقی‌ای که ستاروار احترام جهانی‌اند را آگاهانه می‌پذیرد. در جایی که این امر پذیرفته شود، هدف از اخلاق کاربردی روشن است؛ فلسفه اخلاق کاربردی درک روشن‌تری از درست و غلط به دست می‌دهد و در

نظریه ژان ژاک روسو^۱ (۱۷۷۸م) و ایمانوئل کانت^۲ (۱۸۰۴م)، مبتنی بر وجدان است. طبق این نظریه، کار اخلاقی کاری است که از وجدان الهام گرفته باشد. کانت می‌گوید: "فعل اخلاقی، فعلی است که انسان، آن را به عنوان یک تکلیف از وجدان خودش گرفته باشد". وی معتقد است که انسان، وقتی اخلاقی زندگی می‌کند که احکام اخلاقی را به صورت مطلق و نه به عنوان وسیله، در نظر بگیرد و انجام دهد^۳. این نظریه، به نظریه وظیفه‌گرایی مشهور است.

فلاسفه اسلامی، نظریه عقل و اراده ارائه می‌دهند. در مکتب این فلاسفه، ملاک و معیار اخلاقی بودن، عقل و اراده است و اخلاق کامل، اخلاقی است که بر اساس نیرومندی عقل و اراده باشد و میل‌های فردی، میل‌های نوعی و اشتیاق‌ها، همه تحت کنترل عقل و اراده، حاکم است. البته، باید توجه داشت که این نظریه با آن چه به نام نظریه اسلام ارائه می‌شود، متفاوت است. مکتب اخلاقی اسلام، اخلاق را امری درونی می‌داند که فقط در مکتب خداپرستی قابل توجه است. جوهره این مکتب اخلاقی، را آموزه‌های دینی تشکیل می‌دهد^۴.

اما در مورد این که جامع‌ترین و کامل‌ترین فلسفه موجود، کدام یک از فلسفه‌های مطرح است، خانی جزئی^۵ معتقد است: ظاهراً هیچ یک از نظام‌های فلسفی اخلاقی نمی‌توانند کامل باشند، مگر آن که به هر سه عنصر اخلاق، یعنی احکام اخلاقی، غایت انسان و فضیلت توجه کافی نمایند. افزون بر این، یک نظام آرمانی اخلاقی نباید این عناصر را جداگانه مورد توجه قرار دهد، بلکه باید آنها را یکپارچه و هماهنگ کند.

اخلاق کاربردی

اخلاق کاربردی، کاربرد نظریه‌های اخلاق هنجاری در بیان عمل است. اخلاق کاربردی، حوزه‌ای از اصول اخلاقی است که شامل اخلاق حرفه‌ای (نگاه کنید به فصل دوم) از قبیل اخلاق تجاری، اخلاق مهندسی، و اخلاق پزشکی، همچنین، اخلاق عملی از قبیل اخلاق محیطی می‌شود. آلmond^۶ در مقاله "اخلاق کاربردی" در دایرةالمعارف فلسفی روتلج^۷ می‌نویسد: اگر چه نام "اخلاق کاربردی" به نسبت تازه است، اما ایده و

1. Rosseau
2. Kant, L

۳ همان‌جا.
۴ همان‌جا.
۵ همان‌ص.

6. Almond, Brenda

۷. رند آلmond، "فلسفه اخلاق کاربردی"، ترجمه حامد حاجی‌حیدری و مهدی تقار دستگردی، رسالت، ۸۷/۱۷۶
Brenda Almond, "Applied Ethics", in Routledge Encyclopedia of Philosophy.
(London:Routledge, 1998)

کنار آن، دیدگاهی به دست می‌دهد که این بصیرت‌ها را در شیوه‌های رفتار و نهاد‌ها جلوه‌گر سازد.

فصل دوم

اخلاق حرفه‌ای

قبل از پرداختن به اخلاق حرفه‌ای، ابتدا تعریفی از حرفه ارائه می‌شود:

حرفه چیست؟

کلمه "حرفه" از لحاظ فنی، سازمانی و روانشناختی، در اواخر قرون وسطی شکل گرفت، اگر چه ریشه‌های آن به روزگار باستان برمی‌گردد. در طول آن زمان در اروپا، روند رشد تقسیمات اجتماعی کار اتفاق افتاد که در آثار نویسندگان کلاسیک سیاسی-اجتماعی به روشنی توصیف، تجزیه و تحلیل شده است. در همان زمان، زندگی خصوصی از زندگی عمومی، جدا شد و انواع متفاوت حرفه گرایی شکل گرفت. در حدود همان زمان، روش زندگی شهری از روش زندگی روستایی جدا شد و سبک زندگی شهری، یک بار دیگر، به عنوان مرکز توجه فعالیت‌های حرفه‌ای به شکل‌های مختلف، ایفای نقش نمود. همچنین روند شکل‌گیری مسائل سیاسی و ملی که به سرعت در حال گسترش بود، نیاز به افزایش گروه‌های تحصیل کرده، به ویژه مجموعه‌ها و کادریهای تعلیم دیده را ایجاد می‌کرد و انسان روشن فکری که تا آن زمان در حد نسبتاً زیادی حرفه‌گرایی را ایجاد کرده بود، جانشین انسان رنسانس شد. این مساله باعث ظهور مکتب‌های فکری یا فلسفی، موسسات آموزشی، آموزش حرفه و پیشه که برای رشد نیروهای مولد ضروری بودند، ساختار حمل و نقل، مدیریت و امور اجرایی و امور جنگی شد.^۱

۵

1. - V.I. Bakshantovski and I.U.V. Sogomov, "Professional ethics: Sociological Perspective" Sociological Research, vol.46,no.1,2007,pp.75-950

های حرفه‌ای نیز میزان قابل توجهی خود مختاری هم در کنترل دستیابی به حرفه و هم در کنترل رفتار^۱ حرفه‌ای داده شده است.

الیوت فرایدسون^۲ (۱۹۹۴) نقل در چادویک (مشکلات تعریف "حرفه" بر حسب تعدادی از اوصاف یا ویژگی‌ها را خاطر نشان می‌کند و به جای آن، تعریفی بر حسب فرایند را مد نظر قرار می‌دهد. یعنی بر حسب این که گروه‌های اشتغال خاص چگونه موقعیت حرفه‌ای را کسب کرده است. نظر فرایدسون آن است که مفهوم "حرفه" مفهومی است که با شرایط اجتماعی- فرهنگی خاص گره خورده است یعنی با شرایط ملل صنعتی انگلو- امریکن که موقعیت را با اشتغال پیوند زده اند نه با تحصیلات.

ویژگی‌های حرفه

فرلاند^۳ (۱۹۷۹) نقل در مختاری معمار، ویژگی‌های اصلی یک حرفه را چنین بیان می‌کند:

مجموعه‌ای از دانش تخصصی و مهارت‌های فنی. هر حرفه‌ای مستلزم داشتن دانش تخصصی و مهارت‌های فنی است.

آموزش و تجربه رسمی. هر حرفه‌ای مستلزم تدارکات وسیع و فشرده برای اتخاذ روش لازم به منظور بکارگیری دانش و مهارت‌های فنی است.

نظامنامه اخلاقی یا استاندارد رفتاری. برای هر حرفه‌ای باید نظامنامه‌ای اخلاقی یا استاندارد رفتاری وجود داشته باشد تا اعضای آن حرفه در ارتباط با مراجعان و همکاران خود از آن تبعیت کنند.

تعهد به ارائه خدمات عمومی به عوض کسب درآمد مالی. هدف اصلی ارائه خدمات عمومی است، بنابراین لازم است که اعضا ارائه خدمات به مراجعان را پایه و اساس کار خود قرار دهند نه کسب درآمدهای مالی را.

سازمانی رسمی برای حمایت از حرفه‌ای شدن. باید یک نوع سازمان رسمی وجود داشته باشد تا تمام اعضاء را برای عملکرد یکدست و کارآمد در حرفه به هم پیوند دهد. هدف چنین سازمان رسمی عبارت خواهد بود از: الف) دستیابی به سطح بالایی از استاندارد عملکردی از سوی متخصصان خود؛ ب) حرکت به سوی هدفی مشترک؛ ج) به اجرا درآوردن تفکر مشترک؛ د) ایفای نقش به عنوان مرکزی برای رسیدن به دیدگاه‌های مشترک در مورد مسائل حرفه‌ای.

اعطای جواز به دست اندرکاران.

الوانی^۱ (به نقل از پاک^۲، ۱۹۹۱) در تعریف حرفه بیان داشته است که حرفه، دارای یک چارچوب ذهنی است، مجموعه‌ای از تئوری و دانش را در بر دارد، دارای نشان و مرتبتی اجتماعی است. سازمان یا سازمان‌هایی آن را ترویج می‌کنند، گروهی عملاً و نظراً بدان مشغولند، در میان رشته‌های دانشگاهی، جایگاهی دارد و دارای میابهای اخلاقی و ارزشی خاص خود می‌باشد.

در فرهنگ وبستر (۱۹۶۱)، در تعریف حرفه آمده است: "پیشمای که مستلزم وجود دانشی است تخصصی و اغلب تدارکی بلندمدت و ژرف شامل آموزش مهارت‌ها و روش‌ها و همچنین، اصول علمی، تاریخی و محققانه‌ای که بر آن مهارت‌ها و روش‌ها تأکید دارد و با استناد به سازمان و تشکیلات یا اتفاق آرا و استانداردهای والای دستاوردها و رفتار و سلوک پیشبینی می‌شود و اعضاء خود را به مطالعاتی مستمر و نوعی کار متعهد می‌کند که نخستین مقصود آن ارائه خدمات عمومی است"^۳.

چادویک^۴، در مقاله "اخلاق حرفه‌ای" در دایرةالمعارف فلسفی رونالج^۵ می‌نویسد: "واژه حرفه به معانی گوناگونی به کار می‌رود. حرفه در معنای وسیع کلمه صرفاً به معنای شغل یک شخص است اما در معنایی محدودتر، به نوع خاصی از فعالیت اشاره می‌کند که: اولاً مشخص، همراه با آن دارای موقعیتی خاص می‌شود و ثانیاً با اصول اخلاقی خاصی گره خورده است. به طور سنتی، حرفه با یک دانش و آگاهی وسیع (که میزان مهارت در آن، معین کننده درجه شخص در میان درجات مختلف حرفه است، لاقلاً به طور جزئی) و یک وضع ایده آل خدمت مشخص می‌شود. از آن جا که دانش و آگاهی وسیع، بناسیایی برای اعطای قدرت، پول و مقام را داشته، انتظار می‌رفته است که صاحبان حرفه از مهارت هایشان به سود جامعه استفاده کنند. آن گروه فعالیت‌هایی که به مدت طولانی قطعاً به عنوان حرفه قلمداد شده اند، یعنی حرفه‌های مشهور لیبرال یا علمی، مانند پزشکی، الهیات و حقوق، ویژگی دیگری نیز دارند یعنی میزان قابل ملاحظه‌ای از اقتدار و خود مختاری در شیوه کار. لقب "لیبرال" بر تناسب داشتن آنها با "انسان مختار و آزاد" تأکید دارد و لقب "علمی" ارتباط آنها را با یک دانش و آگاهی وسیع نشان می‌دهد. این که در مورد صاحبان حرفه کلمه عمل و پیشه^۶ به کار می‌رود نه کلمه کار^۷، خود امر معناداری است که بر خود مختاری افراد صاحب حرفه، به مجموعه

۱. سید مهدی الوانی، "تئوروت تئورین منشور اخلاقیات سازمانی"، تحول اداری، (شماره ۱۹، ۱۳۷۷)، ص. ۵۸.

۲. حسین مختاری معمار، در آمدی بر کتابداری، (تهران: نشر قو، چاپ دوم، ۱۳۷۶)، ص. ۱۴.

۳. Chadwich, Ruth

۴. روث چادویک "اخلاق حرفه‌ای"، ترجمه بهروز صمدیه، رسالت، ۱۳۸۱/۵۲۴، اصل مقاله در آدرسی زیر قابل دسترسی است. Ruth Chadwich, "Professional Ethics", in Routledge Encyclopedia of Philosophy, (London: 1988).

۵. Practise

۶. Work

مقررات شدید و استانداردهای سطح بالای صلاحیت‌ها. برای تازه واردان به حرفه باید مقررات شدید و استانداردهای سطح بالای صلاحیت‌ها وجود داشته باشد. این استانداردها در بعضی از حرفه‌های معین، تعیین شده است.

اطمینان متقابل بین اعضای حرفه و مشتریان. در هر حرفه‌ای باید بین اعضای حرفه و مشتریان اطمینان وجود داشته باشد.

ادامه کار به خاطر دیگران. حرفه به خاطر دیگران دنبال می‌شود نه فقط به خاطر خود شخص.

تعریف اخلاق حرفه‌ای

در فرهنگ فلسفی کمبریج^۱، اخلاق حرفه‌ای چنین تعریف شده است:

واژه "اخلاق حرفه‌ای" یک یا چند مورد از موارد زیر را در بر می‌گیرد:

- ۱- ارزش‌های اخلاقی قابل قبولی که باید کار صاحبان حرفه را اداره کند؛
- ۲- ارزش‌های اخلاقی که در واقع، گروهی از صاحبان حرفه را هدایت کند؛
- ۳- مطالعه اخلاق حرفه‌ای در معنای و مفاهیم گذشته، شامل بررسی‌های هنجاری (از دیدگاه فلسفی) در زمینه ارزش‌های مطلوب برای صاحبان حرفه و با مطالعات توصیفی (از لحاظ علمی) رفتارها و باورهای واقعی گروهی از صاحبان حرفه. ارزش‌های حرفه‌ای شامل اصول حقوقی و تعهدات و الزاماتی، مانند فضایل و ایده‌آل‌های اخلاقی شخصی می‌شود.

دایرة المعارف روتاج^۲، اخلاق حرفه‌ای را چنین تعریف می‌کند:

در اخلاق حرفه‌ای، بخش‌ها و قسمت‌های مشابهی به چشم می‌خورند، اگر چه این عقیده که باید قوانین اخلاقی خاصی، ویژه حرفه‌های مشخص وجود داشته باشد، اما از زمان‌های قدیم، وقتی که سوگندنامه بقراب برای پزشکان نیاز شد، متداول بوده است. بسیاری از گروه‌های امروزی (مدرن) از جمله مهندسان، پرستاران و وکلان قوانین رسمی را با وضع استانداردهای اخلاق حرفه خودشان، تصویب کرده‌اند.

در فرهنگ علوم رفتاری^۱، اخلاق حرفه‌ای، رشته‌ای از دانش اخلاق تعریف شده است که روابط شغلی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

در فرهنگ فارسی امروزی^۲ نیز، اخلاق حرفه‌ای، شیوه‌های رفتاری متداول در میان اهل یک حرفه تعریف شده است.

دایرة المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی^۳، اخلاق حرفه‌ای را چنین تعریف می‌کند: به مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های اخلاقی پذیرفته شده که از سوی سازمان‌ها یا مجامع حرفه‌ای مقرر می‌شود تا مطلوب‌ترین روابط اجتماعی ممکن را برای اعضای خود در اجرای وظایف حرفه‌ای فراهم آورد، اخلاق حرفه‌ای گویند. این اخلاق دربرگیرنده مجموعه‌ای از احکام ارزشی، تکالیف رفتار و سلوک و دستورهای برای اجرای آنهاست.

از نظر دراکر^۴، پدر علم مدیریت نوین، اولین مسؤلیت یک صاحب حرفه، در ۲۵۰۰ سال پیش در سوگندنامه بقراب به وضوح بیان شده است: "primum non nocere"^۵: "ندانسته (ناآگاهانه) به کسی آسیب نرسانید". هیچ صاحب حرفه‌ای، چه دکتر، چه وکیل، چه مدیر، نمی‌تواند قول دهد که برای مشتری‌اش بهترین خدمت را ارائه دهد، اما تنها کاری که می‌تواند بکند این است که سعی خود را بکند، اما او می‌تواند قول دهد که ندانسته یا از روی غفلت به کسی آسیب نرساند و مشتری در مقابل باید بتواند به صاحب حرفه اعتماد کند که وی از روی ناآگاهی به او آسیب نمی‌رساند، و گرنه هیچگاه نمی‌تواند به صاحب حرفه اعتماد کند. "ندانسته به کسی آسیب نرسانید" قانون اساسی و زیر بنایی اخلاق حرفه‌ای و قانون اصلی اخلاق مسؤلیت اجتماعی است.

به عقیده قراملکی^۶، اخلاق حرفه‌ای، حوزه تخصصی در دانش اخلاق است که به بیان مسؤلیت‌های اخلاقی بنگاه‌ها و مشاغل و نیز، تحلیل مسایل اخلاقی در کسب و کار می‌پردازد، و نقش عملیاتی در حل معضلات اخلاقی در کسب و کار دارد.

وی^۷، در کتاب "اخلاق حرفه‌ای" مسؤلیت‌های اخلاقی را به سه قسم تقسیم کرده است:

۱- مسؤلیت‌های اخلاقی فردی - شخصی:

هر فردی، صرف نظر از این که شاغل هست یا نه، نسبت به رفتارهای خود دارای مسؤلیت است. فرد در زندگی شخصی خود نسبت به خود، خانواده، شهروندان و تمام

۱. "اخلاق حرفه‌ای"، ص. ۱۵۴، اعلی‌اکبر شعاری بوند، فرهنگ علوم رفتاری، ذیل ۱.

۲. غلام حسن افشار، فرهنگ فارسی امروزی، ذیل "اخلاق حرفه‌ای"، ص. ۶۷.

۳. اسماعیل آزاد، "اخلاق حرفه‌ای" دایرة المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، تهران: کتابخانه ملی، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.

۴. Peter F. Drucker, The Daily Drucker (New York: Collins, 2004).

۵. احد فرامرز قراملکی، اخلاق حرفه‌ای، تهران: احد فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۷.

۶. همان، ص. ۹۹-۱۰۵.

1. Professional ethics, The Cambridge Dictionary of Philosophy, 1999, Retrieved August 12, 2007, from <http://www.credoreference.com/entry/829805>

2. Brenda Almond, Applied Ethics in E. craig (ED), Routledge Encyclopedia of Philosophy, London: Routledge, 1998. Retrieved May 11, 2007, from <http://www.rep.routledge.com/article/1005 secto>.

کسانی که با آنها در ارتباط و یا تعامل است، مسئولیت اخلاقی دارد. رعایت این مسئولیت ملاک فضیلت آمیز بودن رفتار وی در زندگی شخصی است و عدم رعایت آنها دلیل ردیلت آمیز بودن است. این مسئولیت بر اصول معینی استوار است. این اصول در مجموع "اخلاق فردی" را می‌آفریند.

۲- مسئولیت‌های اخلاقی فردی- شفقی:

اخلاق شفقی از طرفی مانند اخلاق فردی بر مسئولیت افراد به عنوان شخص حقیقی تأکید دارد، از طرف دیگر، بر خلاف اخلاق فردی، عنوان برخاسته از شغل را نیز در مسئولیت های اخلاقی لحاظ می‌کند. تنوع پذیری و تخصص گرایی یکی از مهم ترین تفاوت های اخلاق فردی و اخلاق شفقی است. اخلاق در این مفهوم، "شغل وابسته" است که بر حسب تنوع مشاغل، محتاج اخلاقیات خاص هستند: اخلاق پزشکان، اخلاق معلمان، اخلاق مدیران، اخلاق وکلا، اخلاق قضات، اخلاق محققان، اخلاق خبرنگاران

.....

اخلاق مشاغل نزد دانشمندان مسلمان در سده های پیشین مورد توجه فراوان بوده است و آثار زیادی در بیان بایدها و نبایدهای اخلاقی مربوط به طالب علوم، سیاستمداران، اهل جنگ و مرزداران، پیشه وران و بازرگانان و ... نوشته شده است. اخلاق پیشه‌وران و اربابان صناعت و مناصب لشکری و کشوری و آداب قضا، آداب متعلمان، آداب اهل اجل از مباحث رایج در سده‌های چهارم هجری به بعد است.

۳- مسؤولیت‌های اخلاقی سازمانی:

مسؤولیت‌های اخلاقی سازمان شامل همه اضلاع و ابعاد سازمان می‌شود و اخلاقیات شفقی را نیز، در بر می‌گیرد. مسؤولیت‌های اخلاقی سازمان بسیار پیچیده‌تر از مسؤولیت‌های اخلاقی فردی و شفقی است. حفظ اسرار مشتری فراتر از عملکرد کارکنان، به ساختار و فناوری اطلاعات موسسه نیز بستگی دارد.

به عقیده وی (قراملکی)^۱، اخلاق حرفه‌ای را نباید صرفاً به معنای اخلاق کار تفسیر کرد. اخلاق پزشکی را به طور مثال، نباید صرفاً اخلاق پزشکی دانست بلکه بیان مسؤولیت‌های اخلاقی بنگاه‌ها و موسسات پزشکی در قبال محیط نیز بخشی از اخلاق پزشکی است. اخلاق بازرسی صرفاً مسؤولیت های اخلاقی بازرسان نیست بلکه فراتر از آن، باید به مسؤولیت های اخلاقی سازمان‌ها و مراکز بازرسی در قبال محیط نیز ناظر باشد.

اخلاق حرفه‌ای به ما می‌گوید که یک سازمان، شرکت و بنگاه، یا هر واحدی که در نظر بگیرید، چه این واحد آموزشی باشد، چه پژوهشی، چه صنعتی، چه خدمات شهری و رفاهی، همانند یک فرد تعهدات اخلاقی دارد. همان گونه که یک فرد از لحاظ اخلاقی، متعهد است که به عنوان یک فرد دروغ نگوید، وفادار باشد و حسد نکند، در اخلاق حرفه‌ای می‌گویید خود واحد هم تعهد اخلاقی دارد. یعنی یک بنگاه و شرکت تعهدات اخلاقی دارد.^۱

قواعد تشکیل دهنده اخلاق حرفه‌ای

به اعتقاد وسلینگ^۲، قواعدی وجود دارد که در کنار هم، اخلاق حرفه‌ای را تشکیل می‌دهند. همان گونه که ما به عنوان دانشمند وظایف متفاوتی از یک بازرگان داریم، وظایف صنعت کاران از وظایف سربازان جداست و وظایف سربازان با وظایف کشیشان متفاوت است، پس می‌توان گفت به تعداد پیشه‌هایی که وجود دارد، اخلاقیات متفاوتی وجود دارد و از همین رو، به طور نظری، هر فردی تنها یک حرفه را تقبل می‌کند، پس نتیجه این است که اشکال متفاوت این اخلاقیات برای گروه های کاملاً متفاوتی از افراد، به کار بسته می‌شود. تفاوت‌ها شاید حتی تا حدی پیش روند که وظایف، تمایز آشکاری با هم داشته باشند. در میان این اخلاقیات، یک نوع نعی تواند جدا از دیگر انواع آنها باشد، اما میان برخی از انواع اخلاقیات تضاد وجود دارد، دانشمند وظیفه دارد که حسن انتقادی خود را بروز دهد و قضاوت های خود را به هیچ قدرت دیگری جز قدرت عقل مبتنی نسازد؛ وی، باید خود را چنان تربیت کند که ذهنی باز و به دور از تعصب داشته باشد. گاه وظیفه پزشک است که دروغ بگوید و از واقعیتی که مطلع است خبری ندهد. افرادی که شغل های متفاوتی دارند، وظایف متفاوتی هم دارند. ما در هر جامعه‌ای تکثری اخلاقی کشف می‌کنیم که در خطوطی موازی عمل می‌کند. این خاص گرایی اخلاقی، اگر بتوانیم آن را بدین نام بخوانیم، که چایی در اخلاقیات فردی ندارد، در اخلاقیات خانگی خانواده نمود پیدا می‌کند، و از آن پس به پیش می‌رود تا اوج خود را در اخلاق حرفه‌ای بیابد، تا روی به اخلاقیات مدنی بگذارد و یک بار دیگر اخلاقیات را که روابط انسان‌ها را به عنوان موجوداتی انسانی با یکدیگر تنظیم می‌کند پشت سر گذارد. در این رابطه، اخلاق حرفه‌ای، جایگاه راستین خود را میان اخلاقیات خانوادگی و اخلاقیات مدنی می‌یابد.

۱- اخلاق حرفه‌ای در مدیریت علوی، اندیشه حوزه، (سال هفتم، شماره سوم و چهارم، اردیبهشت ۱۳۸۱) ص: ۶۶

۲- اندون وسلینگ، "اخلاق حرفه‌ای"، ترجمه ج. فخری‌یاسری، نقطه جام چه (روزه اندیشه و حوزه معرفت شناسی)، شماره ۷، سال ۱۳، ص: ۴.

این امر واقعیتی بسیار مهم است و نشان دهنده شرط بنیادین وجود اخلاق حرفه‌ای است و بدون آن، اخلاق حرفه‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد. یک نظام اخلاقی، همواره امری گروهی است و تنها زمانی می‌تواند به کار آید که آن گروه، این نظام را با پاسداری از اقتدار آن، حراست کنند. این نظام از قواعدی ساخته شده است که افراد را رهبری می‌کنند، آنان را مجبور می‌کنند که به این روش یا آن روش عمل کنند و حدودی را بر تمایلات آنان تحمیل می‌کنند و آنان را از فراتر رفتن از آن حدود ممنوع می‌سازند. اکنون فقط یک قدرت اخلاقی وجود دارد و این فقط قدرت جمعی است. تا حدی که فرد با شیوه‌های زندگی‌اش آزاد گذاشته شده و از محدودیت‌های اجتماعی آزاد است، از تمامی محدودیت‌های اخلاقی نیز رهاست. اخلاق حرفه‌ای ممکن نیست در هیچ نظام اخلاقی از این شرط بنیادین خلاصی جوید. از این رو، جامعه در مقام یک کلیت، ربطی به اخلاق حرفه‌ای پیدا نمی‌کند، ضروری است که گروه‌های خاصی در جامعه وجود داشته باشند تا در میان آنها این نوع اخلاق رشد کند و در آن کسب و کار باید دید که افراد آن گروه مورد نظارت قرار می‌گیرند. این گروه‌ها تنها با کنار هم گردآوردن افراد یک کسب و کار یا گروه حرفه‌ای است که می‌توانند شکل یابند. از این گذشته، در حالی که اخلاقیات عمومی توده اجتماع را به عنوان تنها زیر لایه و تنها بدنه خود در دست دارد، بدنه‌های اخلاق حرفه‌ای، متعدّدند. به تعداد حرفه‌هایی که وجود دارد، اخلاق حرفه‌ای یافت می‌شود. بدنه‌های هر کدام از این نظام‌های اخلاقی، در ارتباط با یکدیگر و همچنین، در ارتباط با کل جامعه، از خود گردانی نسبی بهره‌مند هستند، چرا که هر کدام از این نظام‌ها، به تنهایی صلاحیت دارند تا روابطی را که مربوط به آن می‌شوند، تنظیم کنند و بدین گونه، مشخصه ویژه این نوع اخلاقیات، با اصول بیشتری نسبت به اخلاقیات دیگر، تعریف می‌شود. در این نوع اخلاق، عدم تمرکز واقعی زندگی اخلاقی را مشاهده می‌کنیم. در این نوع اخلاق، عدم تمرکز واقعی زندگی اخلاقی را مشاهده می‌کنیم. در حالی که افکار عمومی، بدون این که ما بتوانیم بگوییم که دقیقا این افکار در اینجا یا آنجا وضع شده‌اند، بر اخلاقیات عمومی تکیه کرده و در میان جامعه اشاعه یافته است. اخلاق هر حرفه در یک حوزه محدود متمرکز شده است و از این قرار است که محدوده‌های این حوزه‌ها با یکدیگر هم مرز هستند، اما تمایز یافته‌اند. این تفکیک کارکردی، به نوعی "چندریختی اخلاقی"، منجر می‌شود.

از این گزاره، گزاره فرعی دیگری استخراج می‌شود. هر شاخه از اخلاق حرفه‌ای، ساخته گروهی حرفه‌ای است که طبیعت آن، طبیعت همان گروه خواهد بود. به طور کلی، در همه گروه‌هایی که برابر هستند، هر چه ساختار گروه گسترش یافته‌تر باشد، قواعد اخلاقی مناسب با آن نیز، پرتعدادتر است و اقتدار این قواعد بر اعضای آن

به عقیده وسلینگ^۱، پرداختن به مجموعه همه قوانین که برای هر پیشینه خاص مناسب است، ممکن نیست، و به همین دلیل، وی به توضیحاتی درباره جنبه‌های بسیار مهم این موضوع می‌پردازد و دو پرسش مطرح می‌کند؟

ماهیت عام اخلاق حرفه‌ای در مقایسه با دیگر حوزه‌های اخلاق چیست؟

شرایط ضروری عام برای برقراری هر نوع اخلاق حرفه‌ای برای کارکرد درست آن چیست؟

ویژگی متمایز این نوع اخلاق، و آن چه این نوع اخلاق را از شاخه‌های دیگر اخلاق جدا می‌سازد، نوعی لاقیدی عام است که آگاهی عمومی نسبت به این نوع اخلاق دارد. دست‌کم، به طور عام، قواعدی اخلاقی وجود ندارد که تخلف از آن در انظار عمومی با نكوهش نگریسته شود. تخلفاتی که تنها با استفاده از تخصص فرد ممکن می‌شوند، در خارج از حدود حرفه‌ای، تنها تا اندازه‌ای با سرزنشی سر بسته مواجه می‌شود. این تخلفات به عنوان گناهی قابل بخشش، به شمار می‌روند. برای مثال، مجازاتی که از نظر حرفه‌ای بر یک خدمتکار عمومی به دست مقامات بالاتر او یا محکمه‌های خاصی که او در مقابل آنها باید پاسخگو باشد تحمیل می‌شود، هیچگاه، آوازه چنین مقصری را به طور جدی لکه دار نمی‌کنند، مگر این که تخلف او، از اخلاق عمومی نیز باشد. مثلا اگر مأمور جمع‌آوری مالیات مرتکب برخی اعمال ناپسند شده باشد، مانند افراد دیگری که چنین اعمالی را مرتکب می‌شوند یا او رفتار می‌شود، اما دقت‌داری که نسبت به قواعد دقیق حسابداری سستی ورزد، یا مقامی که به طور دائمی، توان انجام وظایف خود را نداشته باشد، با وجود این که او نسبت به سازمانی که به آن وابسته است فردی گناهکار به شمار می‌رود، احساس یک فرد گناه کار را نخواهد داشت. این خصالت اخلاق حرفه‌ای به راحتی، قابل توضیح است. دقیقا، از این رو که افراد یک حرفه برای همه افراد جامعه، افرادی عادی به حساب نمی‌آیند و به عبارتی دیگر به این خاطر که آنها بیرون از آگاهی عمومی، جا دارند، نمی‌توان آنها را دارای آگاهی عمیق به وجدان عمومی دانست. این امر به این دلیل است که آنها عملکردهایی را مدیریت می‌کنند که هر کسی آنها را انجام نمی‌دهد و هر کسی نمی‌تواند بفهمد که این عملکردها چیستند و چرا باید باشند یا چه ارتباط خاصی میان افراد حرفه‌ای با به کار بستن این عملکردها وجود دارد. این نشان می‌دهد که چرا احساسات عمومی نسبت به این نوع تخلفات، با ملایمت از خود واکنش نشان می‌دهد. احساس عمومی تنها با تخلفاتی که چندان بزرگ باشند که احتمال رود باز تولید عمومی گسترده‌ای داشته باشند، به جوش می‌آید.

پنج نظام عمده اخلاق حرفه‌ای

قوام‌لکی^۱ به پنج نظام عمده اخلاقی در بیان اخلاق حرفه‌ای که امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرند، می‌پردازد و اشاره می‌کند که ملاک مقبولیت این پنج نظام در میان دهن‌ها نظریه و نظام اخلاقی، توانایی آنها در بیان نظام مند فضایل و ذایل اخلاقی، ارائه نظام سازگار، فراگیر و کارا است. این پنج نظام عبارتند از:

۱- نظام فایده‌گر:

نظام فایده‌گر، بالاترین سود برای بیشترین کسان همراه با کمترین زیان را ملاک نهایی اخلاق می‌داند. نظام فایده‌گر، در تحلیل نهایی از خوب و بر مطلوبیت فعل از حیث آثار و نقش آن تأکید دارد، یعنی خوب و بد را در نهایت امر نه بر حسب نیت اشخاص (حسن فاعلی) بلکه بر حسب نتیجه و آثار آن (حسن فعلی) استوار می‌کند. در حالی که بدهامت عقل، بسیاری از اموری که این ویژگی را هم دارند، غیر اخلاقی می‌داند، از طرف دیگر، این نظریه، زمینه‌ساز استعمار اقلیتی از جامعه را برای کسب منفعت اکثریت فراهم می‌آورد. بنابراین، بهتر است فایده‌انگاری را یکی از اصول راهبردی اخلاق حرفه‌ای کارآمد- و نه ملاک نهایی آن- بدانیم.

۲- نظام وظیفه‌گر:

نظام وظیفه‌گر که کانت آن را به جای فایده‌انگاری، بنیان نهاد، معتقد است که هیچ چیزی نمی‌تواند بی‌اعتنایی ما را به وظایف اخلاقی توجیه کند و لذا بی‌قید و شرط به آنها التزام داریم، پس نظام نهایی اخلاق همین امر مطلق و نامشروط است. این نظریه، گرچه به لحاظ نظری تحسین‌آمیز بوده، قابلیت ارائه نظام هندسی کامل از فضایل و ذایل را دارد، ولی در بررسی کاربرد گریزنا، دو تقیصه عمده دارد: عدم توانایی در رفع تعارضات اخلاقی و نهایی نبودن ملاک ارائه شده. نظریه کانت، صرفاً نشانگر شاخص و ملاک خوب و بد در یکسری شرایط خاص است و متضمن ملاک نهایی اخلاق نیست، زیرا عمل به وظیفه محتاج دستیابی به ملاک برتری است که آن را توجیه کند. چرا باید به وظیفه عمل نمود؟

۳- نظریه عدالت‌فراگیر

تأکید نظرگاه سوم، بر نقش بنیادی عدالت اجتماعی در قوام گروه‌های اجتماعی است و این نکته دلیلی بر حاکمیت نهایی عدالت برای رفتارهای اخلاقی است. اما باید دانست که عدالت فراگیر هم تنها یکی از مهم‌ترین اصول راهبردی اخلاق است نه ملاک نهایی آن؛ زیرا اولاً عدالت، همه احکام اخلاقی را تبیین نمی‌کند و ثانیاً عدالت برای

گروه بیشتر است. هر چه اعضای گروه رابطه نزدیک‌تری با یکدیگر داشته باشند، تماس افراد گروه با هم نزدیک‌تر و تکرار شونده‌تر خواهد بود و هر چه این تماس‌ها تکرار شونده‌تر و صمیمانه‌تر باشند، تبادل احساسی و فکری بیشتری را پوشش می‌دهند. از یک سو، تصور کنید که جمعیتی که در یک فضای وسیع پراکنده شده‌اند بدون داشتن عنصر متفاوتی که ارتباط را برای آنان آسان‌تر کند، در حالتی است که هر فرد برای خود زندگی می‌کند و افکار عمومی تنها در برخی موارد نادر توسعه پیدا می‌کند، آن هم مواردی که مستلزم فراخوانی پرحسنت این دسته‌های پراکنده در کنار هم است، اما هنگامی که گروه قدرتمند است، اقتدار آن با نظم اخلاقی که مستقر شده، ارتباط پیدا می‌کند و به دنبال آن، این نظم اخلاقی به همان اندازه، مورد احترام خواهد بود. از سوی دیگر، جامعه‌های که فاقد ثبات است و نظم آن به آسانی، دستخوش دگرگونی است و وجود نظام اخلاقی همیشه احساس نمی‌شود، این نظام تنها می‌تواند نفوذی بسیار ضعیف بر اوامری که صادر می‌کند اعمال نماید. بر اساس این نظر، می‌توان گفت که هر چه ثبات و سازمان‌دهی گروه اجتماعی بهتر باشد، اخلاق حرفه‌ای، پیشرفته‌تر و دارای عملکرد بهتر، خواهد بود. این شرط، در حوزه‌هایی که کم و بیش در ارتباط مستقیم با دولت هستند- منظور حوزه‌هایی که مشخصه عمومی دارند مانند ارتش، آموزش و پرورش، حقوق، حکومت و حوزه‌هایی مانند این‌ها- قابل اجراست، با این حال، یک دسته کارکردهایی وجود دارد که این شرط را به هیچ روی بر نمی‌آورند. این دسته، کارکردهای اقتصادی صنعتی و بازرگانی هستند. آشکارا، فردی که کسب و کاری را انجام می‌دهد طبق ضوابطی با کسی دیگر که همان کسب و کار را دارد، در بسیاری از واقعیات شریک است. رقابت سرسختانه، آنها را برای یکدیگر ملموس می‌سازد، اما هیچ امر یکنواختی در این ارتباط وجود ندارد، آنها وابسته به فرصت‌هایی هستند و این فرصت‌ها تنها مربوط به افراد می‌شود. برای نهادهای که آنان عضو هستند، اهمیتی ندارد که با نهاد دیگر در دوره‌های معین نشست‌هایی ترتیب دهند، چیزی که مهم‌تر به نظر می‌رسد این است که نهادی صنفی بیرون از اعضای یک حرفه وجود ندارد تا وحدتی میان آنان به وجود آورد و در مواقع لزوم بر این اعضا، نظارت کند. این نقص سازمانی، در حرفه‌های بازرگانی، باعث شده که هیچ نوع اخلاق حرفه‌ای خاصی وجود نداشته باشد یا اگر وجود داشته باشد، ناقص است و اغلب هر کس می‌تواند در آن الگویی برای آینده بیابد. از این رو، تنها با اجبار شرایط، تماس‌هایی میان افراد صورت می‌گیرد، برخی اندیشه‌ها به طور عمومی بروز می‌کنند و برخی قواعد رفتاری ظاهر می‌شوند، اما به شکلی مبهم و با اقتداری اندک.

۱. احد فرامرز قراملکی، اخلاق حرفه‌ای، ص ۳۴۴-۳۵۷

تبيين شدن محتاج ملاک است، چرا که همیشه می‌توان پرسید چرا باید عادلانه عمل کرد؟

۴- نظام آزادی‌خواه

از دید نظام آزادی‌خواه، آن نیازی که همه احتیاجات معنوی آدمی را تحت الشعاع قرار می‌دهد، نیاز به آزادی است، بنابراین، آزادی ملاک نهایی ارزش‌هاست. ولی در این نظریه یک مشکل عمده وجود دارد و آن تعریف دقیق آزادی است. از طرفی، آزادی، همچون عدالت، از اصول راهبردی در تشخیص خوب و بد است و آن را می‌توان در پاسخ بسیاری از چرایی‌ها در رفتار آدمی بیان کرد.

۵- نظریه زیبا و خیر مطلق

بنا بر نظریه زیبا و خیر مطلق، خداوند ملاک نهایی اخلاق است و ادیان آسمانی در این نکته هم‌داستانند. بر مبنای این که خداوند متعال را ملاک نهایی ارزش‌ها بدانیم، شاخص خوب، رفتار مقرب به خدا و شاخص بد، رفتار دور کننده از خداست. این ملاک نسبت به نظریه های پیشین، نقاط قوتی دارد: اول این که رضایت و عدم رضایت خدا هر دو بعد اخلاقی بودن یعنی حسن فاعلی و حسن فعلی را شامل می‌شود، در حالی که نظریات پیشین فقط یکی از این دو امر را شامل بوزند. دوم این که رضایت خدا همه ملاک‌های یاد شده را فرا می‌گیرد، زیرا کسی که دغدغه رضایت خداوند را دارد، عدالت را رعایت می‌کند، دغدغه آزادی خود و دیگران را دارد و برای رساندن بیشترین سود به بیشترین کسان تلاش می‌کند، و سوم این که این ملاک، افزون بر تعریف‌یافته‌ها، به آنها قداست نیز می‌بخشد و این قداست ضامن اجرایی اخلاق است.

بدین ترتیب، وی معتقد است تقرب به خدا و خداگونه شدن، با کسب رضایت او، آرمان اخلاق است و دستیابی به عدالت فراگیر اجتماعی، آزادی، حرمت نامشروط انسان، بیشترین سود برای بیشترین کسان نیز اهداف زندگی اخلاقی، در چهار ساحت فردی، شغلی، سازمانی و جامعه‌می‌باشد.^۱

ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای

ابوت^۲، در مقاله "اخلاق حرفه‌ای"، پنج مشخصه یا ویژگی اخلاق حرفه‌ای را چنین بیان می‌کند:

۱- تقریباً تمامی حرفه‌ها از قوانین اخلاقی رسمی – البته مکتوب – برخوردارند.

۲- به نظر می‌رسد باور و پذیرش قوانین اخلاقی رسمی، ارتباط مستقیمی با شأن درون حرفه‌ای دارند. هم در نظریه و هم در عمل، شافلان دارای منزلت درون-حرفه‌ای عالی^۱، برای پذیرش قوانین اخلاقی، در مقایسه با شافلانی که در سطح پایین‌تر منزلت درون حرفه‌ای^۲ جای دارند، آماده‌تر و پذیراترند.

۳- اجرای غیر رسمی^۳ اصول اخلاقی در میان گروه‌های حرفه‌ای سطح پایین، غیر ممکن به نظر می‌رسد.

۴- اخلاق حرفه‌ای، در نظر و در عمل، مبتنی بر استقلال^۴ با فردگرایی است. در رژیم قدیم فرانسه و آلمان (قبل از ۱۷۸۹)، قواعد اخلاقی صاحبان حرفه، از تعهدات و الزامات سازمانی رسمی تحمیل شده به آنها توسط مقامات مرکزی، مشتق می‌شد، اما هم اکنون، دیگر بدان شکل عمل نمی‌شود و تقریباً در همه جا، اصول اخلاقی حرفه‌ای مستقل حاکم شده است.

۵- آخرین مشخصه اخلاق حرفه‌ای، تقسیم بندی خاص و تعادل بین خود فرامین و دستورات می‌باشد. در مقابل، تعهدات و الزامات برای صاحبان حرفه، به ویژه، صاحبان حرفه‌ای که جلوی رقابت برای کسب مشتری، مانند سیاست‌های قیمت‌گذاری، قوانین علیه دزدی مشتری را می‌گیرند، بسیار زیاد است. در واقع، تعهدات برای مشتریان، کم و نسبتاً خاص بوده اما تخلفات مستقیم آنها به مجازات‌های جدی می‌انجامد. در حالیکه، قواعد درون حرفه‌ای، هم زیاد و هم مفصل است، با این حال، تخلفات آنها، به واکنش‌های خفیف‌تری می‌انجامد.

اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی

هر سازمان و موسسه حرفه‌ای برای ادامه حیات خود، نیازمند رفتارها و الگوهای اخلاقی است تا بتواند جامعه را مجاب حرفه خود کند. مزیانی^۵، صاحبان هر حرفه را به دو دلیل اساسی ملزم به اعمال اخلاق در حرفه خود می‌داند:

الف: صاحبان حرفه به دلیل این که تاثیرات مقابلی در جامعه و منافع آن دارند نیازمند اخلاقند،

ب: هر حرفه‌ای برای آن که بتواند دوام یابد ملزم است پشتیبانی جامعه را در تداوم خود کسب کند و در این راه باید اخلاقی را نشان دهد که جامعه می‌پسندد.

1. High intraprofessional status
2. Lower intraprofessional status
3. Informal
4. Individualistic

۲۶۲. ص. ۱۲۸۳. سمیت: تهران (کتابداری، و کتابخانه مریضی، علی. ۵.

۱. همان، ص. ۳۶۱.

2. Andrew Abbott, "Professional ethics", American Journal of Society, Vol. 88, No. 5, 1983: 857-863.

در حال حاضر نیز، علاقه پیوسته و فزاینده‌ای به اخلاقیات وجود دارد. کنفرانس‌هایی چند بر این مساله متمرکز بوده‌اند و مجله جدیدی با عنوان "مجله اخلاقیات اطلاع-رسانی" انتشار خود را آغاز کرده است. با این حال، علی‌رغم این افزایش توجه، جهان کاری امروز، اجازه صرف زمان بسیار اندکی برای انعکاس آن را می‌دهد. در واقع، شاعلان این رشته به ندرت فرصت داشته‌اند درباره تأثیرات ضمنی و گسترده اخلاقی کارشان تأمل کنند. این بدان معنا نیست که این ملاحظات را بی اهمیت فرض کرده‌اند، اما اغلب این ملاحظات فقط وقتی می‌تواند به درستی مورد تأمل و ارزیابی قرار گیرند که فرصتی درباره تأمل درباره آنها وجود داشته باشد.^۱

همچنین، وی^۲، به بیان برخی ملاحظات اخلاقی در بافت کتابخانه و اطلاع‌رسانی پرداخته است که به طور خلاصه، عبارتند از: دسترسی آزاد به اطلاعات و تأثیرات اطلاعات، تصمیمات انتخاب منابع، حفظ حریم شخصی، حق مولف، سازماندهی اطلاعات، خط مشی اطلاع‌رسانی، کیفیت اطلاعات، اداره کتابخانه، تضافات مربوط به حریم شخصی افراد، نارسایی‌های سازمانی و مسائل آرشویی.

به عقیده اسمیت^۳ (۱۹۹۳)، نقل در رابینن، بخشی از پیچیدگی برداشتن به اخلاقیات در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی این است که حداقل دو کنون تمرکز در آن وجود دارد. کنون تمرکز اول می‌تواند "اخلاق اطلاع‌رسانی" نامیده شود. اخلاق اطلاع-رسانی در بین چیزهای دیگر، یک زمینه اخلاقی کاربردی است که استفاده یا عدم استفاده از اطلاعات را مورد توجه قرار می‌دهد. این زمینه اخلاقی حوزه‌هایی مانند "مالکیت اطلاعات"، "حقوق مالکیت فکری"، "دسترسی آزاد یا محدود به اطلاعات"، "استفاده از اطلاعات دولتی"، "حفظ حریم شخصی و تأمین محرمانگی"، "یکپارچگی داده‌ها و جریان بین‌المللی اطلاعات را در بر می‌گیرد. کنون تمرکز دوم به عنوان "اخلاق حرفه‌ای" شناخته می‌شود. "اخلاق حرفه‌ای" به چگونگی به کارگیری اصول اخلاقی در تصمیمات و کارهایمان به عنوان متخصصان اطلاع‌رسانی می‌پردازد. البته، اغلب، بحث یکی از آنها بدون بحث دیگری، نمی‌تواند به طور رضایت‌بخشی دنبال شود.^۴

ضرورت بحث مسائل اخلاقی با درک این واقعیت که کتابداری یک حرفه "خدمت‌مدار" است و مهم‌ترین سهامدار ما، استفاده‌کننده است، برجسته‌تر می‌شود. همانگونه که فینکس^۱ (۱۹۹۱)، نقل در رابینن اشاره کرده است، وظیفه اساسی کتابخانه نیک نشان دادن ارزش اطلاعات ثبت شده برای بشریت است. تصمیمات اتخاذ شده توسط کتابداران و دیگر متخصصان اطلاع‌رسانی ممکن است تعیین‌کننده این باشد که چه کسی اطلاعات را دریافت کند و چه کسی دریافت نکند. شکست در انجام این وظیفه، تخطی از اخلاق حرفه‌ای است.^۲ کتابداران و اطلاع‌رسانان در زمینه انجام وظایف حرفه‌ای خود در جامعه مسئولیت‌های اخلاقی خاصی دارند تا آزادی افراد بر اثر فشارهای محیط خدشه دار نشود و امکان همزیستی همگان با تبادل درست اطلاعات فراهم آید.^۳

از نظر تاریخی، آن چه در این رشته مشخص شده است این است که تمرکز بر مسائل اخلاقی متغیر بوده است. دومنت^۴ (۱۹۹۱)، نقل در رابینن) سه دوره اخلاقی که هر یک جهت‌دهی اخلاقی متفاوتی دارند را بیان کرده است: دوره اول سال‌های قبل از ۱۹۳۰ را در بر می‌گیرد. در این دوره، کتابداری آمریکا بر مسئولیت برای "مجموعه کتابخانه" متمرکز بود. این یک دوره تک‌بندی برای کتابخانه‌ها بود و بیشتر توجه به خلق و نگهداری مجموعه کتابخانه‌ها معطوف بود. دوره دوم، سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ را در بر می‌گیرد. در این دوره، تمرکز اخلاقی بر جنبه‌های انسانی خدمات کتابخانه، کارکنان و مراجعه‌کنندگان قرار داشت. مسائلی مانند امنیت شغلی، شرایط کاری، آموزش و مهارت‌آموزی در این دوره مطرح شدند. تمرکز بر نیازهای انسانی تصریحی بر این بود که مراجعه‌کنندگان به عنوان انسان، دارای نیازها و رفتار خاصی هستند که باید درک شود. این دوره همچنین، بر مساله تعهد اخلاقی برای فراهم کردن دسترسی آزاد به اطلاعات تأکید داشت. در دروه آخر، از سال ۱۹۶۰ به بعد، توجه اخلاقیات به نیازهای گسترده‌تر کل جامعه معطوف شد. تأکید بر توسعه "خبر عموم"، ترویج عدالت اجتماعی و اتخاذ مواضع سیاسی مترقی قرارداشت. مفهوم کلی "مسئولیت اجتماعی" فراتر از کارکنان کتابخانه یا افراد استفاده‌کننده از کتابخانه، به کل جامعه تسری یافت. مسائلی مانند "فعالیت تبعیض آمیز" و نیازهای "گروه‌های کمتر خدمت‌شده" به عنوان مسائل مهم اخلاقی مطرح شدند. افزون بر این، مسئولیت‌های اخلاقی کتابدار مرجع در پاسخگویی به پرسش‌ها زیر سوال قرار گرفت.

1. Finks

۱. ریچارد ای. رابینن، "مبانی علم کتابداری و اطلاع‌رسانی، ترجمه مهدی خامسیان، (مشهد: کتابخانه رایانه‌ای، ۱۳۸۳)، ص. ۳۵۸

4. Dumont

۳. اساتذانه آزاد، "اخلاق حرفه‌ای"، دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، ج. ۱، ص. ۱۱۱

۱. ریچارد ای. رابینن، ص. ۳۵۴

۲. همان، ص. ۳۶۴-۳۷۵

همان، ص. ۳۵۹. ۴.

فصل سوم

قوانین اخلاق حرفه‌ای

در دایره المعارف ویکی پدیا، در تعریف "قانون اخلاقی" آمده است: "قانون اخلاقی"، اغلب، یک بیانیه رسمی از ارزش‌های سازمان راجع به مباحث اجتماعی و اخلاقی معین است. برخی افراد، اصول کلی درباره اعتقادات و باورهای یک سازمان پیرامون موضوعاتی مانند کیفیت، استخدام، یا محیط را تنظیم می‌کنند. دیگران، رویه‌های به کار رفته در موقعیت‌های اخلاقی خاص مانند شرایط متعارض یا پذیرش هدایا را تدوین می‌کنند، و ترسیم می‌نمایند که آیا تخلف از قوانین اخلاقی اتفاق افتاده یا نه؟ اگر چنین است، چه راهکارهایی باید به کار گرفته شود را مد نظر قرار می‌دهند. کارآیی این قوانین اخلاقی بستگی به میزان حمایت مدیران از آنها دارد. در واقع، ضمانت اجرایی آنها منوط به اقبال مدیران است. تخلف از اصول اخلاقی سازمان خصوصی معمولاً می‌تواند متخلف را در معرض گزیندهای سازمان قرار دهد (در مفهوم استخدای، می‌تواند به معنی فسخ استخدام و در مفهوم عضویت، می‌تواند به معنی اخراج باشد)."

در کتاب اخلاق حرفه‌ای^۱ نیز، نگارنده به این موضوع اشاره کرده است: "مالکان و مدیرانی که از دغدغه‌های اخلاقی برخوردار بوده‌اند، در آغاز همت خود را صرف تهیه فهرستی از بایدها و نبایدهای رفتاری کردند. بدین وسیله، جهت‌گیری تلاش‌های طرفداران اخلاق در کسب و کار، منجر به تدوین اصولی شد که رعایت آنها ضامن ارزشمندی و فضیلت‌آمیز بودن رفتار صاحبان حرفه و شاغلان در آن کسب و کار است. این اصول، الگوی رفتار ارتباطی افراد سازمان را با یکدیگر و نیز با مشتری، ارباب رجوع و

۱. احد فرامرز قراصلی، اخلاق حرفه‌ای، ص. ۱۴۸.

ایجاد شده‌اند تا به عنوان ابزاری بی طرف و بدون سوگیری، استانداردهای انجمن‌ها را توضیح دهد. بهترین ایده‌ها وقتی به واقعیت تبدیل می‌شوند که در مدارک و اسناد مکتوب، به وضوح بیان شوند.

زواس^۱، نیز معتقد است: "هر عمل قانونی، اخلاقی نیست، دامنه و میزان عمل اخلاق، توسط ضوابط و معیارهای عمومی رفتاری و قوانین اخلاقی خاص، اداره می‌شود. عموماً مفروض است که دانش حرفه‌ای، در بعد و دامنه خودش، مسئولیت و اثرهای را اعطا کند. به همین دلیل است که حرفه‌ها، قوانین اخلاقی را ایجاد می‌کنند. به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از قواعد را وضع می‌کنند تا به طور بالقوه، برای راهنمایی چگونگی رفتار اعضای حرفه به کار روند."

به اعتقاد الوانی^۲، "عدم وجود مدل‌ها و اصول مدون اخلاقی و ارزشی، موجب می‌شود تا هر فردی در سازمان بر اساس احساس وجدان خود دست به عملی بزند که شاید از دیدگاه فردی او بهترین باشد، اما از نظر جامعه و سازمان و مصالح کلی نظام، چنانچه خوشایند و مطلوب نباشد. قوانین و مقررات در بسیاری موارد نیاز به تعبیر و تفسیر دارند و الگوهای اخلاقی می‌توانند در این زمینه نیز به عضو سازمان کمک کرده و او را به سوی عمل مطلوب هدایت نمایند و از سوی دیگر، عمل او را با سایرین نیز هماهنگ و متوازن سازند. الگوهای اخلاقی به فرد امکان می‌دهند تا تصمیمات صحیحی اتخاذ کند و از ابهام و سردرگمی رهایی یابد."

وجوه مشترک اکثر قوانین اخلاقی

بواز^۳، در دایرة المعارف علوم کتابداری به این نکته اشاره می‌کند که: "در اکثر قوانین، اهداف مشابهی به چشم می‌خورد. توجه اولیه، به خدمات عمومی است. انجمن پزشکی آمریکا می‌گوید: هدف اصلی حرفه، خدمتی است که می‌تواند به بشریت ارائه دهد؛" پاداش یا منافع مالی، باید در درجه دوم اهمیت باشد". اصول راهنمای حرفه، در وهله اول، به نفع عموم است. حرفه‌های دیگر، به عقاید و نظرات مشابهی اشاره می‌کنند که اگرچه پاداش مادی و امرار معاش ضروری است - در درجه دوم اهمیت در ارائه خدمات مطلوب می‌باشد.

ویتاگر (۱۹۲۲)، نقل در بواز^۴، در سالنامه آمریکایی علوم اجتماعی و سیاسی، تأکید می‌کند که خودخواهی و علائق شخصی نباید نقش برجسته‌ای در کار حرفه‌ای داشته

سایر افراد ذینفع، ترسیم می‌کند. برخی از شرکت‌ها، فهرست بلندی از بایدها و نبایدها را تهیه کردند و برخی دیگر عمداً و آگاهانه، تنها به بیان حداقلی چند ارزش بنیادی و عمده، بسنده کردند: اصل تقدم بلاشروط مشتری، اصل احترام نامشروط انسان، اصل حرفه‌ای عمل کردن در کسب و کار، اصل امانتداری و رازداری و ...

فهرست الزامات و تعهدات اخلاقی که به صورت بایدها و نبایدها تدوین می‌شود، غالباً "قوانین اخلاقی" و یا "آیین‌نامه‌های" اخلاقی نامیده می‌شوند. نه تنها سازمان‌ها بلکه تشکلهای حرفه‌ای نیز بر حسب تخصص‌های خود به تدوین قوانین و آیین‌نامه‌ها پرداخته‌اند، مانند الزامات اخلاقی نظام پزشکی که موضوع سوگندنامه‌های حرفه‌ای قرار می‌گیرد. تعهدات اخلاقی جامعه حسابداران رسمی، آیین‌نامه اخلاقی کانون وکلا، اصول اخلاقی خبرنگاران و ...

نروم تدوین قوانین اخلاقی

قانون قابل اجراست، اطاعت می‌کردند، در جهان آشوب و بلبشو پیا می‌شد". به اعتقاد نیبر (نیل در بواز)^۱، نظم و عدالت، فقط با اعمال زور و فشار حاصل نمی‌شود، اما بدون آن هم حاصل نمی‌شود؛ زیرا خود خواهی افراد و ملت‌ها باید مهار شود؛ زیرا نظم و عدالت سیاسی کامل توسط رجال و ملت‌هایی که میزان خوبی و فضیلتشان بیش از خودخواهی و منافع شخصی‌شان می‌باشد، به دست می‌آید. کینگ (نیل در بواز)^۲، اشاره می‌کند که مشکل هر یک از حرفه‌ها این است که هر کدام باور دارند وارث زمین هستند. مهندسين، وزرا، پزشکان، وکلا، هر گروه احساس برتری حرفه‌ای می‌نمایند که به نوبه خود، دلالت بر غرور و خودبینی جمعی دارد. اصول اخلاقی، قصد تغییر این خودبینی به خدمات عمومی ایده آل را دارد. به همین خاطر، ارتباط بین افراد و ارتباط بین چندین حرفه، از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده است.

برخی افراد به محدودیت‌های شخصی یا گروهی اعتقاد ندارند، این مفهوم به بی نظمی و آشوب منجر می‌شود. چیزی که ممکن است برای شخصی درست به نظر رسد، ممکن است برای دیگری نامعقول و بی معنی در نظر آید، اما هیچ صاحب حرفه‌ای نمی‌تواند به تنهایی و مجزا زندگی کند. از این رو، در طول سال‌ها، گروه‌های حرفه‌ای، اصول راهنمایی را برای اعضای خود، وضع کرده‌اند. یک حرفه، زمانی شکل می‌گیرد که جامعه، ارزش ذاتی خدماتی که اعضای گروه به تنهایی یا با همکاری یکدیگر عرضه می‌کنند، را تشخیص دهد. توسعه الگوی حرفه‌ای رفتار اخلاقی، موضوعی شخصی نیست. یک سازمان رو به رشد، باید عقل و احساسش را یک کاسه کند. قوانین اخلاقی مدون،

1. Vladimir Zwass, "Ethical Issues in Information System" in Encyclopedia of Library and Information Science, New York: Marcel Dekker, 2003, p. 1054.

۲. سید مهدی الوانی، "ضرورت تدوین منشور اخلاقیات سازمانی"، ص ۵۹.

3. Martha Boaz, "code of ethics, Professional", p.247.

4. Whittaker, Charles Harris

1. Niebuhr, Reinhold

2. King, Clyde P.

به اعتقاد قراملکی^۱، حداقل به دو تقیصه عمده در قوانین و آیین‌نامه‌های اخلاقی می‌توان اشاره کرد: اولین مورد، نقصان آنهاست. قوانین اخلاقی تمام مسؤولیت‌های اخلاقی سازمان را فرا نمی‌گیرد بلکه غالباً به وظایف اخلاقی اعضای گروه توجه دارد. این تقیصه سهم فراوانی در عدم کارآمدی آیین‌نامه‌ها دارد، زیرا وقتی در سازمان به وظایف اخلاقی افراد، مثلاً کارکنان، بسنده می‌کنیم و از بیان تعهدات اخلاقی سازمان در قبال کارکنان غفلت می‌ورزیم، یعنی در قوانین اخلاقی بر وظایف اخلاقی عضو گروه در قبال گروه تأکید کرده و از بیان وظایف اخلاقی گروه نسبت به اعضا سخن نمی‌گوییم، اعضای گروه نسبت به چنین آیین‌نامه‌ای بدگمانی کرده و مقاومت می‌ورزند و در جهت نادیده گرفتن آن برانگیخته می‌شوند.

دومین نقصان در قوانین اخلاقی، عدم برخورداری از انسجام است. این مورد، برخاسته از نقصان نخست است. در این قوانین، معلوم نیست که در سازمان چه کسانی در قبال چه افرادی دقیقاً چه مسؤولیت‌هایی دارند. لذا، سازگاری و سازمان‌یافتگی بین مسؤولیت‌ها نیز در میان نیست. افزون بر این، اولویت تعهدات اخلاقی نیز در این قوانین به وضوح نشان داده نمی‌شود.

روش‌های تدوین قوانین اخلاقی

در دایرة المعارف علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی^۲، سه روش برای تنظیم قوانین اخلاقی ذکر شده است:

روش اطباء، که جانشین قوانین تاریخی پزشکان معروف به عنوان وظایف اعضای حرفه و به عنوان قوانین پزشکی قبلی می‌باشد؛

تک نویسنده‌گی (تک مولف)، که نمونه آن، اولین قانون انجمن مهندسی آمریکا می‌باشد؛

چند نویسنده‌گی (چند مولف)، که روش بسیاری از سازمان‌ها بوده است. به اعتقاد کالینز^۳، در شرکت‌های آرمانی و موفق، هرگز اصول ارزشی سازمان، برخاسته از توجیه خارجی نیست و این اصول هیچگاه، تابع هوا و هوس و مد روز نبوده است و هرگز بر اثر تحولات محیطی منسوخ نمی‌شود. در تدوین این اصول ارزشی، اصالت و اعتقاد به آن اصول، در درجه نخست اهمیت قرار دارد و نه خوش آمد و سفارش دیگران.

۱-۱۵۲-۱۵۴.

۲. احمد فرامرز فراملکی، اخلاق حرفه‌ای، ص ۱۵۲-۱۵۴. Martha Boaz, "code of ethics, Professional" In Encyclopedia of Library and Information Science, New York: Marcel Dekker, 1972, vol. 5, p. 264.

۳. جیمز کالینز و جری پوراس، ساختن برای ماندن، نشر فردا، ۱۳۷۰، ص ۱۱۰. نقل در احمد فرامرز فراملکی، اخلاق حرفه‌ای، ص ۱۵۲.

باشد: "چگونه جامعه می‌تواند جامعه‌ای سودمند و مفید شود و نه خوشه‌چین صرف خرده‌ریزه‌های حرفه‌مندان؟" وی معتقد است که دانش و مهارت‌های ما، موروثی هستند. بهای آنها، کوشش و تلاش طاق فرسای زنان و مردان یا به سن گذاشته است. آنها، موروثی و متعلق به ما هستند و ما امانتدار این دانش و مهارت‌ها هستیم. آنها متعلق به جامعه هستند. اولین تعهد ما نسبت به جامعه‌ای است که همه متعلق به آن هستیم. انسان، هرگز در بی آن نیست که ثروت دانش را با خود به گور برد. او در جستجوی آن است تا آن را به جهان عرضه کند، و ما، از طریق مطالعاتمان، در جستجوی کسب دانشی هستیم که آنها به بشریت داده‌اند.

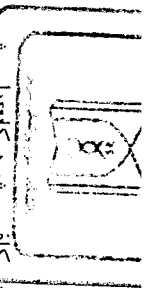
همچنین، یک قانون طلابی، تقریباً در تمام قوانین اخلاقی قرار دارد. صداقت، وفاداری، بخشندگی، ادب و احترام، صراحت، خشرویی، همکاری، دوستانه بودن، نوع دوستی و صمیمیت استانداردهای عمومی یا ایده‌آل‌های رفتاری هستند. قوانین اخلاقی، اختیاری هستند. به عقیده بواز، یک برنامه انجمن حرفه‌ای، در واقع، محصول خواست و اراده خود آن انجمن می‌باشد. و البته، میزان کارایی آن، به درک متقابل و نظر عموم بستگی دارد.

نقاط ضعف قوانین اخلاقی

بواز^۱، همچنین، بیان می‌کند که قوانین، اغلب، شامل اصول آرمان‌گرایی مبهم هستند. گفته می‌شود که "اخلاق بسیار شبیه یک مسیحی متعصب لباس می‌پوشند و بسیار شبیه یک پاک دین (پروتستان) افراد را خشنود می‌کند". شواهد آماری نشان می‌دهد که قوانین اغلب، بعد از اولین تنظیماتشان، غیر فعال (راکد) می‌شوند. روش‌های آموزشی و تمرینات پراکنده، ناچیز بوده‌اند و تأکید ناکافی و نارضایتی در تدریس اخلاق در برنامه آموزشی، دیده می‌شود. در بسیاری از موارد، هر بحث اخلاقی، پیش‌بینی نشده و اتفاقی است و به ندرت، در واحدهای منظم ارائه می‌شود.

زبان قوانین، عمومی است؛ هیچ آماده‌سازی برای اجرای سخت و جدی رفتار حرفه‌ای و هیچ تعریفی از موقعیت‌های دشوار برای راهنمایی اعضا وجود ندارد. برای برخی نویسندگان قوانین اخلاقی، متداول است که به راحتی می‌گویند: "نظر گروه" از متخلفان قوانین مراقبت خواهد کرد. در هر حال، نظر گروه، معمولاً زمانی که نظام یا سازمانی وجود ندارد که از طریق آن بتوان وارد عمل شد، نقشی ندارد.

1. Martha Boaz, "code of ethics, Professional", pp. 246-247.



به انداز کافی نوشته‌اند. کمیته یا نشست که قصد نوشتن قانون را دارد، در اسرع وقت باید یک پیش‌نویس کاری بنویسد، اما، در به اشتراک گذاشتن آن با انجمن یا سازمانی که این کمیته برای آن کار می‌کند، باید احتیاط کند.

۶ برای تبدیل پیش‌نویس اولیه به پیش‌نویس پایانی یک رویه مشخص داشته باشید؛

از آن جا که قوانین در واقع، هیچگاه به اتمام نمی‌رسند، رویه‌ای با زمان مشخص باید در نظر گرفت. گاهی اوقات، به ویژه در گروه‌های کوچک، شرکت‌کنندگان ممکن است به بی‌حساب و کتاب بودن (دلیخواهی بودن)، به ویژه زمانی که کار آنقدر طول بکشد که همه خسته شوند، بی‌برزند. در گروه‌های بزرگتر، احتمالاً کسانی هستند که در برابر این بی‌حساب و کتابی، اظهار خشم و تفر می‌کنند و حتی، به خاطر مخالفت با روند آکارا، شروع به دشمنی با قوانین می‌نمایند. بنابراین، اگر رویه مشخصی در زمان تعیین کمیته یا پیش‌نویس وجود نداشته است، یکی از اولین کارهای کمیته باید تعیین رویه‌ای باشد تا نگارش قوانین از پیش‌نویس اولیه تا پذیرش نهایی را دنبال کند.

۷ تا زمان تدوین پیش‌نویس اولیه، رویه را تا جای ممکن باز بگذارید؛ بازبودن رویه، دو کارایی دارد: اول این که از قانون از سوی افراد با نفوذ خارج مرکز، حمایت می‌شود. دیگر این که باز بودن، نه تنها کمیته پیش‌نویس را از سوی افراد بی‌حساب و کتاب خارج از مرکز یا سازمان حمایت می‌کند، بلکه از تمایل کمیته پیش‌نویس به فراموش کردن موانع و قیود عملی نیز پشتیبانی می‌کند (همیشه، افراد بزرگ‌مغز در اقداماتی مانند تدوین پیش‌نویس قوانین اخلاقی تمایل دارند).

۸ پست الکترونیکی، جایگزین مناسبی برای جلسات حضوری نیست؛ پست الکترونیکی ابزار جدید مهمی است تا ابدین وسیله افرادی که در جلسه حضور نداشته‌اند، از روند نگارش قوانین کسب اطلاع نمایند. کاربرد آن از دورنگار و تلفن آسان‌تر است و بسیار سریع‌تر از پست معمولی عمل می‌کند اما بهتر است که بیشتر کارهای نگارش قوانین از طریق جلسات حضوری با حضور ۲ تا ۶ نفر انجام شود. در جلسات حضوری، کارهای بسیار بیشتری در مقایسه با ارتباط از طریق پست الکترونیکی انجام خواهد شد.

۹ رویه آهسته‌ای را از اولین پیش‌نویس تا آخرین آن، طرح ریزی کنید؛ چند دلیل برای این امر وجود دارد: اول این که عجله، تعداد خطاها را افزایش می‌دهد. دوم این که حرکت آهسته، حمایت‌ها را بر می‌انگیزد، افراد فرصت کافی برای بحث و تبادل نظر دارند، فرصت دارند تا پیام‌ها را با آنها موافقت، و حتی

دیوینس^۱، هجده قانون عملی را برای نوشتن قوانین اخلاقی پیشنهاد می‌کند: نوشتن قوانین اخلاقی را از هر گونه بحث و بررسی پروانه یا اجازه نامه حرفه‌ای، مجزا در نظر بگیرید؛

کمیته تهیه پیش‌نویس را محدود در نظر بگیرید (از حضور افراد زیاد در تهیه پیش‌نویس بپرهیزید)؛ آماده سازی اولین پیش‌نویس، نیاز به افراد زیادی ندارد و حضور ۲ تا ۶ نفر کافی است.

۱۰ ابتدا یک پیش‌نویس ساده تهیه کنید؛ مشکل محتوا به چند روش، قابل حل است: یک روش این است که گروه کوچکی، تعداد زیادی از قوانین اخلاقی دیگر اموجوداً را مطالعه کرده و قید و بندهایی^۲ که اعضای آن قوانین در نظر گرفته‌اند را جستجو نماید؛ فهرستی از قوانین که هر کس مایل است یا پیشنهاد می‌دهد تهیه کنید؛ فهرست را دست به دست بگردانید؛ در مورد قوانین بیشتری که باید اضافه شود یا نه، سوال کنید؛ به وسعت دادن فهرست ادامه دهید تا به نظر، نسبتاً کامل برسند؛ قوانین که فرد یا افرادی به شدت با آن مخالفت می‌ورزند، باید تا زمان پیش‌نویس کنار گذاشته شود؛ وقتی فهرست به نظر کامل رسید، آن را به یک انشاء نویس (نویسنده) بدهید. (این روش اغلب "سیال‌سازی ذهنی یا پهارش افکار"^۳ نامیده می‌شود).

روش دیگر، برپایی جلسات در دیدارهای حرفه‌ای مناسب است. یکی از اعضای کمیته نگارش بیانیه، برخی "موارد اخلاقی" را ارائه می‌دهد تا حاضرین را برای اصلاح این موارد یا پیشنهاد موارد اخلاقی دیگر ترغیب و دعوت نماید. سپس، حاضرین، تا جایی که زمان اجازه می‌دهد سعی در برطرف کردن و حل موارد اخلاقی می‌نمایند. بخشی از حل هر مورد اخلاقی، "ارزش"^۴ یا "قانون"^۵ به حساب می‌آید. هر یک از این قوانین یا ارزش‌هایی که در نهایت، توسط حاضرین تشخیص داده شده است، به شکل فهرستی در می‌آید تا محتوای پیش‌نویس بر این اساس نوشته شود.

۱۱ پیش‌نویس را در اسرع وقت تهیه کنید؛ مانند همه نوشته‌ها، قانون‌نویسی هم روی کاغذ اتفاق می‌افتد. منظور این است که بدون مدرک و سند اکتوب^۱، کاری از پیش نمی‌رود. تدوین یک پیش‌نویس خوب، سال‌ها طول می‌کشد، اما ایجاد یک "پیش‌نویس کاری"^۲ (پیش‌نویسی که بدان وسیله،

1. Michael Davis, "Eighteen rules for writing a code of professional ethics". Science Eng. Ethics, 13, 2007, pp. 171-189.
2. Privisions
3. Brain Storming
4. Value
5. Rule
6. Working draft

دانشگاه علوم پزشکی تبریز
انستیتو مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی
مبارد اموال

فرصت کافی برای جمع‌آوری اطلاعات نیز هست. سوم این که قانون اخلاقی، که خیلی سریع تنظیم شده باشد، در مقایسه با قانونی که با روند آهسته تری تنظیم شده است، برای فسخ شدن یا لغو شدن، آسیب‌پذیرتر است. چهارمین دلیل این است که طرح ریزی برای روند آهسته، جلوی بسیاری از شکایت‌ها را می‌گیرد. اما حتما باید یک جدول زمانی طراحی شود زیرا بدون آن، هر کس ممکن است تصور کند که کاری مثل نگارش بیانیه، چقدر باید طول بکشد!

۷ قوانین را از طریق نظرسنجی، به آزمون گذارید؛

این آزمون فقط به منظور کاربرپسندی قوانین انجام می‌شود نه اصلاح محتوا یا موافقت نهایی. دو روش در این زمینه پیشنهاد شده است: نخست، برگزاری جلسهای که در آن، به حاضرین یک نسخه از قوانین اخلاقی داده می‌شود و از آنها خواسته می‌شود برای حل برخی موارد، آن را به کار برند، و سپس خواسته می‌شود تا پیرامون راحتی استفاده آن، توضیح دهند. روش دیگر گرفتن بازخورد از کاربران که زمان کمتری نیز می‌برد، "استفاده از دانشجویان در یک برنامه حرفه‌ای مناسب" است. تجربه نشان می‌دهد که دانشجویان نسبت به شاعران بالغ، پاسخگویان بهتری هستند.

۷ آراء عمومی را در نظر بگیرید و طبق اتفاق آراء عمل کنید؛

قانونی که امروز با یک رای تصویب شود، فردا با تغییر یک تک رای از بین خواهد رفت. در مقابل، قانونی که امروز با حد اکثر آراء تصویب شود، کمتر احتمال دارد که فردا با مخالفت جدی روبرو شود.

۷ نویسنده‌های را برای کار بر روی پیش‌نویس‌های رو به اتمامتان در نظر بگیرید؛

منظور از "نویسنده"، یک متخصص دستور زبان، وکیل یا شاعر نیست بلکه کسی است که آثارش، موید توانایی وی در نگارش جملات واضح و مرتبط است.

۷ اعتدال اهداف را حفظ کنید؛

بدین منظور، سعی کنید افراد زیادی را در مراحل پیش‌نویس، بازبینی و پذیرش قوانین اخلاقی درگیر کار کنید. هدف از نوشتن یک قانون، این است که به اندازه کافی، خوب باشد، یعنی قانونی باشد که هر کس بتواند با آن زندگی کند، از آن بیاموزد، و برای بازنگری آن، نظر و عقیده داشته باشد.

۷ نام نویسنده‌گان، همکاران و سایر دست‌اندرکاران را در متن نهایی قوانین ذکر نکنید؛

نوشتن نام افراد، از آن جا که تنها پاداشی است که در این کار به آنها تعلق می‌گیرد، به نظر، راه خوبی می‌رسد، اما دو اعتراض بر این امر وارد است:

قانون اخلاقی، یک انتشار دانشگاهی نیست بلکه ابزاری برای کاربرد در تصمیم‌گیری‌های دشوار است و به همین دلیل طرح شده است. اعتراض دیگر این است که فهرست اسامی ممکن است گمراه کننده باشد. تمام کسانی که نامشان در فهرست آمده بنا به دلایلی نامشان ذکر شده اما، همکاریشان ممکن است کاملا متفاوت باشد و برخی ممکن است واقعا هیچ گونه همکاری به جز امضای متن نکرده باشند.

۷ هرگز تصور نکنید برای نوشتن قوانین، به متخصصین یا افراد خیره‌نیزار هستی؛

هر قانون اخلاق حرفه‌ای، در واقع، مجموعه استانداردهایی برای راهنمایی اعضای حرفه جهت چگونگی رفتار خردمندانه با دیگران می‌باشد. بنابراین، هیچ روشی برای درک آنچه اعضای حرفه برای بهترین روش‌های رفتار خردمندانه نیاز دارند، جز اینکه از خودشان پرسیده شود چه می‌خواهند، به چالش کشیدن آن پاسخ‌ها با دلایل، و مشاهده اینکه آیا پاسخ‌هایشان تغییر می‌کند یا نه، وجود ندارد.

۷ تصور نکنید کمیته متشکل از پیشکسوتان حرفه، کار نوشتن قوانین را سریع‌تر پیش می‌برند؛

حضور پیشکسوتان ممکن است برای برخی اهداف مانند حمایت از قوانین اخلاقی پیشنهادی در مقابل نقد مفید باشد، اما نوشتن قوانین اخلاقی توسط ایشان نسبتا بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا اکثر پیشکسوتان به حدی پر مشغله هستند که فرصتی برای نوشتن ندارند. همچنین، مهارت‌های این گونه افراد در امور دیگر است، هیچ صاحب حرفه‌ای فرصت زیادی را صرف کسب شهرت از راه نوشتن قوانین اخلاقی نمی‌کند. دیگر این که اکثر پیشکسوتان، تقریبا همگی افراد موفق با دیدگاه‌های تثبیت شده، و بدور از کارهایی که اکثر اعضای حرفه در حال حاضر به انجام آن مشغولند هستند. از این رو، بهتر است قوانین توسط حرفه‌مدان سطح میانی نگاشته شود.

۷ برای انتشار، آموزش و مدیریت قوانین اقدام کنید؛

قانون اخلاقی تا وقتی که به کار گرفته نشود، یک تکه کاغذ است. اولین قدم برای پیاده‌سازی آن، نشر آن است. "نشر" به معنای چاپ در کتاب، مجله یا به صورت جزوه می‌باشد البته وب نیز می‌تواند ابزار مهمی برای انتشار باشد. همچنین، جامعه حرفه‌ای، می‌تواند کمیته‌ها یا جلسات اخلاق به منظور دریافت پرسش‌های اعضا و حل آنها در زمینه چگونگی تفسیر قوانین، برگزار نماید. سپس، این تفسیر می‌تواند تنظیم شده و در مجله به چاپ برسد.

فصل چهارم

اصول و قوانین اخلاقی در کتابداری و اطلاع‌رسانی

رابین^۱، به بیان چهار دلیل عمده "اهمیت اصول اخلاقی"، در کتابداری و اطلاع‌رسانی پرداخته است: (۱) اصول اخلاقی، ارزش‌های زیربنایی حرفه را نمایندگی می‌کنند؛ (۲) برای آموزش ارزش‌های زیربنایی حرفه به کتابداران جدید مفید هستند؛ (۳) خواندن و بازخوانی آنها و گوش دادن به مباحث حرفه‌ای دیگر و به کارگیری مواد قانونی یک اصل اخلاقی، شبیه‌سازی ارزش‌های مهم حرفه‌ای را ارتقاء می‌بخشد و (۴) هنگامی که مسائل اخلاقی پیچیده‌ای رخ می‌دهند و ملاحظات اخلاقی مهم ممکن است نادیده انگاشته شوند، اصول اخلاقی حرفه‌ای می‌تواند به عنوان یک راهنمای تصمیم‌گیری و تلنگری برای وجدان شخص باشد.

دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی^۲ بیان شده است، "حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی اندکی دیر به عرصه قوانین و رفتارهای اخلاقی وارد شد. قواعد اخلاقی نخستین بار در قرن نوزدهم توسط مری پلامر^۳، مدیر دانشکده کتابداری موسسه پرات^۴، مطرح شد که گفت "پزشکان، حقوقدانان، روحانیان، استادان دانشگاه، و افسران ارتش و نیروی دریایی دارای مقرراتی با این پیش فرض هستند که درستکارند و مایلند چنین بهمانند. کتابداران و مریمان نیز باید قوانین اخلاقی خود را وضع کنند".

قواعد اخلاقی کتابداران اولین بار در سال ۱۹۳۹ در "لایحه قانونی حقوق کتابخانه‌ها"^۵ و نیز در سال ۱۹۵۳ در "قانون آزادی خواندن"^۶ توسط انجمن کتابداری آمریکا منعکس گردید. در سال ۱۹۸۰، صاحب نظران کتابداری آمریکا، مجموعه قواعدی

۶ رویه‌ای برای بازبینی و بازنگری ایجاد کنید؛

قوانین هم مانند انسان‌ها، سن و سال دارند. قانونی که در سال ۱۹۸۰ روزآمد بوده، اکنون کهنه شده است. باآزمون قوانین، بخشی از کاربردی و عملی نگاه داشتن آنهاست. و البته اگر قوانین کهنه نشوند، ناقص و ناتمام خواهند بود؛ تجربه، مایب و نقصان‌های غیر منتظره را آشکار می‌کند. در عین حال، داشتن قوانین تمام و کمال هرگز ممکن نیست. عقاید "کمیت اخلاقی"، گهگاه، قوانین و ضوابط بازبینی قوانین اخلاقی را تعیین خواهد کرد. اگر کمیت اخلاقی وجود ندارد، امر بازنگری قوانین باید به یک سازمان با مسؤولیت و وظایف گسترده‌تر واگذار شود. چنین سازمان یا کمیته‌ای می‌تواند به دقت، تمامی قوانین را بازبینی نماید، کاربران را بررسی نماید، با این قوانین را با دیگر قوانین مقایسه کند و بر اساس بازبینی‌ها پیشنهاداتی را ارائه دهد.

۷ مراقب ترجمه‌های رسمی قوانین باشید؛

ترجمه از زبان بومی به زبان بین‌المللی – انگلیسی – را جدی بگیرید. ترجمه، برای فرد یا افرادی که آن را تقبل کرده‌اند، تعهد و الزامی سنگین است. ترجمه‌ها باید پیگیری شوند و هر گونه اصلاحات نسخه اصلی، باید ظرف چند هفته یا چند ماه، به دقت بازبینی شود.

۱ ریچارد ای. رابین، ص. ۳۷۶

۲ دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، ص. ۱۱۱-۱۱۳-۱۱۲.

۳ Plummer Mary, W.

۴ Pratt Institute

کتابدار به گونه‌ای تربیت می‌شود که به تمامی مجموعه معتقدات، جزم اندیشی‌ها، نظریه‌های سیاسی یا اخلاقی با بی طرفی حرفه‌ای می‌نگرد و اجازه می‌دهد هر متفکری، خواه دارای اندیشه‌های عقابانه یا احمقانه، آزاده حرفش را بزند. او کتابخانه‌اش را بر صخره حق دانستن و آزادی استوار کرده است.

کتابدار باید حرمت آزادی‌ای را که بر تمامی حرفه‌اش سایه افکنده حفظ کند و آزادی مطالعه، اندیشه، گفتار، مطبوعات و غیره را تضمین کند.

کتابدار اگر با اطمینان معتقد باشد که کتابخانه برای اجتماع لازم است، در کار خود موفق تر و راحت تر خواهد بود. اگر کتابدار موضعی دفاعی و نگرشی اعتدالی نسبت به حرفه‌اش اتخاذ کند، به عنوان کتابداری واقعی از خود سلب صلاحیت می‌کند و احتمال این که در کارش موفق و از آن خشنود باشد از بین می‌رود.

کتابدار باید با بیانی مستدل و رسا اعتقاداتش را اعلام کند.

مسئله ذهن خالی مشکلی است که کتابداران و تمامی دست‌اندرکاران آموزش و پرورش و فرهنگ با آن دست به گریبانند. کتابدار می‌تواند به مقابله این فقر ذهنی بپردازد، هر چند به سبب فقر مادی بیروزی در این مبارزه مشکل تر می‌شود.

با وجود توجه به رفاه مادی مردم کوچه و بازار عنایت به رفاه اخلاقی و معنوی مردم افزایش یافته است. در این زمینه، کتابداران و کتابخانه‌ها نقش عظیمی دارند.

کتابداری ترکیبی است از زمینه‌های دانش، مهارت فنی و انسان‌گرایی گسترده. تنها عشق به کار و خود را وقف خدمت کردن است که کمبودهای آنها را جبران می‌کند.

برای کتابدار آگاه با وجود محدودیت‌های مالی و موانع دیگر، مجذوب و درگیر شدن با کار و ارائه خدمات بیشتر و بهتر امری اجتناب‌ناپذیر است. وی غالباً بی‌توجه و ناخوانده فدای مسأله آزادی‌هایی می‌شود که به آنها اعتقاد دارد.

کتابدار واقعی به کتاب‌های مجموعه‌اش افتخار می‌کند و همین احساس را در برابر آنچه دیگران در گذشته فراهم کرده‌اند و آنچه هم اکنون تهیه می‌شود، دارد. او یک مبلغ است و می‌خواهد دیگران را در لذات بیشتری که از مکاشفه شخصی به دست آورده است شریک گرداند. کتابدار باید خواننده کتاب‌ها و خادم خوانندگان باشد.

هدف کتابدار با هدایت و تفسیر مکرر علائق گروه‌های جامعه به علائق‌هایی جامعه منتهی می‌شود. بدین معنا که کل جامعه برای او استفاده‌کننده آرمانی محسوب می‌شوند.

کتابدار در برابر جامعه وظیفه‌های متعالی دارد و حق سانسور ندارد، نمی‌تواند به مردم بگوید چه نخواهند، اما در کتابخانه خود حق تصمیم‌گیری در مورد موادی که باید در مجموعه باشند یا نباشند را دارد.

مقدماتی فراهم آوردند که درنهایت آن را سه موضوع اصول اخلاقی در پژوهش، اصول اخلاقی در تدریس اطلاع‌رسانی، و اصول اخلاقی در کار اطلاع‌رسانی تشکیل می‌داد. در موضوع اخلاق در پژوهش، مباحثی نظیر نادرستی سرعت اندیشه در پژوهش‌های اطلاع‌رسانی، اعتباربخشی نابجا به همکاران آشنا، و زمینه‌های ممنوع‌التحقیق مطرح شده است؛ در مسأله اخلاق در تدریس، به مشکل تدریس سوگرفته و روش تدریس با تکیه بر مسائل ویژه پرداخته‌اند؛ و در باب اخلاق در کار اطلاع‌رسانی، از مطالبی چون استفاده-یا سوء استفاده-از تسهیلات کار جهت مقاصد شخصی، لزوم محرمانه ماندن اطلاعات، بالایش نتایج داده‌ها و اطلاعات بنا به مقاصد خاص، مشکلات میانجیان اطلاع‌رسانی و فروشندگان اطلاعات پیوسته، و پیامدهای سوء استفاده سیاسی از اطلاعات به منزله منشاء قدرت سخن رفته است.

در انگلیس، توجه حرفه کتابداری به این موضوع‌ها منجر به انتشار قانون انجمن کتابداری انگلیس در سال ۱۰۶۳ درباره سانسور شد. این سند، یک سال پس از نوشته داگلاس فاسکت با عنوان "اعتقاد کتابدار: نه جهت‌گیری سیاسی، نه جانبداری دینی، نه حکم اخلاقی" (۱۹۶۲) که اغلب از آن نقل قول می‌شود، ظاهر شد. در دهه ۱۹۸۰، این موضوع مجدداً مورد توجه ویژه قرار گرفت. در آن زمان، به گفته وسبر، حرفه‌ها بر مسائل اخلاقی تأکیدی ویژه داشتند. انجمن کتابداری سنگاپور نیز در این هنگام در قوانین خود تجدید نظر کرد و نوشته‌های آن دوره حاکی از اشاراتی به اخلاق حرفه‌ای جوامع دیگری مانند فرانسه، آفریقای جنوبی، اسکانندیناوی، لهستان، و ایالات متحده آمریکا است.

درهند، موکهرجی^۱، مهم‌ترین مجموعه باورها و قوانین اخلاقی کتابداری را بدین صورت بیان کرده است:

آرمان کتابدار حرفه‌ای عبارت است از داشتن تصویری روشن از کتابدار آرمانی، آگاهی از خدمات ضروری برای خواننده و حس حفظ معیارها در کارهای روزمره.

کتابدار باید اعتقاد به ارزش کارش را که در طی تعلیماتش به دست آورده حفظ کند. باید اعتقاد داشته باشد که کتابخانه‌ها برای مردم مفیدند و او نیز برای کتابخانه‌ها مفید است و نباید انتظار سیاست‌گرایی داشته باشد.

تا جایی که به فلسفه اخلاقی حرفه‌ای و وظایف کتابدار مربوط است، باید گفت که مقام کتابدار با توجه به مسائل سیاسی، فنی و اجتماعی تعیین می‌شود. کتابدار حافظ کتاب‌ها، مشعوف از دانش و وقف پیشبرد آموختن باقی می‌ماند.

۱. ۱. ک. موکهرجی، تاریخ و فلسفه کتابداری، ترجمه اسدالله آزاد، (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸) ص. ۵۳-۵۸.

مطالعه، کاری مطلوب و لذت بخش است. همچنین وسیله افزایش علاقه به زندگی، گسترش افق ذهنی و افزایش میزان درک و فهم است. پاسخ به اندیشه‌های متناقض و تعیین ارزش سرگرم‌کنندگی منابع یا ارزش آموزشی آنها وظیفه کتابدار است، یعنی کسی که تنها علاقه کلی خوانندگان را تفسیر نمی‌کند، بلکه آنها را به جاده‌های عقل هدایت می‌کند. در ایفای این نقش، کتابدار باید شجاع، هوشمند، و معتدل باشد. بدین معنا که اطمینان خوانندگان را جلب کند و چنین اعتمادی همگانی مسلماً یکی از نشانه‌های کتابداری به معنای راستی آن است.

یک کتابدار خوب، باید خواننده‌ای آرمند باشد و برای کمک به دیگران اشتیاق و شور نشان دهد. فنون و مهارت‌ها را می‌توان به سرعت آموخت اما عامل مهم موفقیت، شور کار و پویایی است.

آموزش و پرورش از کودکی آغاز می‌شود، خدمات کتابخانه برای کودکان نیز باید به موازات آن گسترش یابد. کودک به منزله خواننده به هم‌مدردی و درک فراوان ما و به عنوان فرد، به کمال و حسن رفتار و رسیدگی ما نیازمند است. اگر در کتابخانه از کودک غفلت کنید، امید رشد او را به عنوان یک شخص باطل می‌سازید.

آزادی اندیشه به حالت آزاد انسان کمک می‌کند. فلسفه کتابداری به این اصل تجسم می‌بخشد و کتابخانه یکی از نخستین واجبات حفظ این وضع است.

خدمت کتابخانه تنها به برآوردن نیازمندی‌های خوانندگان نیست، بلکه هدفش خواننده آفرینی هم هست. بهترین باری به خواننده، تقویت آگاهی وی است.

حرفه‌گرایی صرف و مسائل مربوط به آن ممکن است باعث گردد تا هدف اصلی کتابدار که خدمت به مردم است دچار خدشه و فراموشی شود. در این مورد هیچ ابهامی نباید وجود داشته باشد، بدین معنا که وسایل و مهارت‌ها باید در خدمت هدف اصلی کتابخانه یعنی خدمت به مردم باشد.

به هنگام انجام خدمات مرجع، کتابدار باید به معنای واقعی کلمه وجود شخصی خود را محو سازد و خود را به یار صمیمی خواننده تبدیل کند و اصول اخلاقی، مذهبی و فردی حرفه‌ای باید بتواند در مقابل مراجعان یکی بعد از دیگری به سرعت رنگ عوض کند. چنان چه به اصول سیاسی، مذهبی و اخلاقی پایبند نباشد می‌تواند تمامی سیاست‌ها، مذاهب و اخلاق را پذیرا گردد.

امروزه، مسائل عمده اخلاقی که کتابداران و اطلاع‌رسانان با آن روبرو هستند با پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی، و فناوریانه پیچیده‌تر شده است. در سال ۱۹۹۶، مفاهیم اخلاقی فناوری اطلاعات با توجه به دنیای کمتر پیشرفته، توسط تابر (نقل در رابین)، مورد بحث قرار گرفت. معرفی نظریات بازار آزاد مانند رقابت اجباری برای خدمات منجر

به تهیه پیش نویس قواعد جدید اخلاقی برای حکومت‌های محلی شد که چنین موضوعی را تحت عنوان استانداردهای حرفه‌ای، محرمانه بودن، نوع روابط، رفتار مناسب، و ضمانت مالی پوشش می‌دهد.^{۱۱}

مسائل اخلاقی اطلاع‌رسانی

رافائل کیورو^۱ (نقل در آزاد)^۲، مسائل اخلاقی اطلاع‌رسانی را زیر عنوان مسائل مربوط به تولید، اشاعه و کاربرد اطلاعات مطرح می‌کند و لزوم پابندی به اصول اخلاقی را در این زمینه‌ها به شرح زیر، گوشزد می‌کند:

الف) اصول اخلاقی در زمینه تولید اطلاعات

دشواری‌های این زمینه با مسائل اخلاقی پژوهش علمی رابط‌های تنگاتنگ دارند. از دیدگاه برقراری ارتباط و در ملاحظه نتایج تحقیقات، پدیدآورندگان اطلاعات از لحاظ اخلاقی، در برابر راستی و عینی بودن دستاوردهای خود مسؤو‌ولند. راستی و درستی، از سویی، به معنای جستجوی شرافتمندانه حقیقت و از سوی دیگر، آزادگذاری نقد و محک‌زنی است. عینیت به میزان آگاه‌کنندگی اشرا‌ت دارد که بیشتر باید کیفی و چونی باشد تا کمی و چندی؛ این نکته، رویارو با دیدگاه‌های اشاعه دهندگان اطلاعات است.

برای رسیدن به این هدف، باید از مجهزترین ابزارهای اطلاع‌رسانی در اختیار، بهره جست. این نکته شاید به تضادهای اخلاقی گوناگونی بیانجامد، به ویژه زمانی که چنین ابزارهایی در انحصار فرد یا افرادی خاص باشد، در دسترس نباشد یا افراد بنا به اهدافی از پیش‌اندیشیده، آشکارا از آنها محروم شده باشند.

ب) اصول اخلاقی در زمینه اشاعه اطلاعات

در باب کار عملی اشاعه اطلاعات، مسائل اخلاقی زیر مطرح است:

اصل در اختیار بودن

اطلاعات و به ویژه، اطلاعات تخصصی، باید در اختیار همگان باشد، به شرطی که محدودیت‌های سیاسی، اقتصادی، و دیگر موانع در نظر گرفته شود.

اگر به مسائل اقلیت‌های نژادی، تبعیضات نژادی، تضاد میان ملل دارای غنای اطلاعات و فقر اطلاعات، تضادهای اطلاعاتی کشورهای پیشرفته، مسائل انحصارها، و مهار و نظارت‌های مردم‌سالارانه و جز آن بیندیشیم، اصل فوق از نظر اخلاقی اهمیت بسیار دارد. آیا در جامعه بی‌کاذب، مردم‌سالارانه بودن دسترسی به رسانه‌های چاپی

۱. استفانله آزاد، "لزوم پابندی به اصول اخلاقی در اطلاع‌رسانی"، اسرار، ۱۷۱۷/۸۴
 ۲. Rafael Capurro

تضمین می‌شود؟ چگونه می‌توان به تعادلی میان برقراری ارتباط شفاهی، چاپی و الکترونیکی دست یافت؟

اصل رازداری

این زمینه پنهانور اخلاقی انواع مسائل مربوط به مسؤلیت توزیع‌کنندگان اطلاعات، حفظ خود اطلاعات، و محافظت از داده‌های شخصی مربوط به تولیدکنندگان و استفاده‌کنندگان، از جمله نتایج، جرح و تعدیل‌ها، و جز آن در جستجوها را دربر می‌گیرد. این اصل، همچنین به انواع دخل و تصرف‌های بی‌اجازه در حوزه شخصی استفاده‌کنندگان، از سوی تولیدکنندگان پایگاه‌های داده‌ها نیز مربوط است.

اصل کمال

با انتخاب سوگرفته آنها از سوی تولیدکنندگان پایگاه‌های داده‌ها مربوط است که در نتیجه، به گمراهی استفاده‌کنندگان می‌انجامد.

این مسأله، به روند چکیده‌نویسی و نمایه‌سازی هم ربط دارد. باید در نظر داشت که تولیدکنندگان پایگاه‌های داده‌ها، مسؤول درستی محتوا نیستند، بلکه تنها در باب کمال و درستی روند تهیه داده‌ها و بازتولید صحیح آنها مسؤولیت دارند. محدودیت‌های این اصل، به مشکلاتی چون گزینشی بودن و ارزیابی دانش و آنچه "آلودگی اطلاعاتی" می‌خوانند مربوط است.

ب) اصول اخلاقی در کاربرد اطلاعات

از آنجا که در هنگام جستجوی اطلاعات، استفاده‌کنندگان اهدافی چندگانه دارند، مسائل اخلاقی مربوط به کاربرد آنها هم متنوع است و از آن جمله می‌توان از اصول عینیت، کمال کیفی و جستجوی حقیقت نام برد. حقیقتی بودن اطلاعات، مفهومی برابر با قابلیت اطمینان یا اعتبار علمی دارد و این مهم باید اهداف نظری و عملی مربوط به دستکاری اطلاعات را دربرگیرد.

از جمله تضادهای اخلاقی موجود در زمینه کاربرد اطلاعات، می‌توان از پالایش نتایج جستجوها، و سوء استفاده از اطلاعات و تسهیلات اطلاع‌رسانی بنا به مقاصد مختلف نام برد.

برخی صاحب نظران، از جمله لد^۱، مسائل اخلاقی را به دو بخش اساسی و متمایز "مسائل اخلاقی خرد" و "مسائل اخلاقی کلان" تقسیم کرده‌اند. دیدگاه کلان به مشکلاتی اشاره دارد که گروهی، در روبرویی با جامعه، با آنها مواجه می‌شوند و در رشته

کتابداری و اطلاع‌رسانی، بیشتر به پیامدهای کلی اجتماعی، و به ویژه مسأله بازسازی اطلاعات وابسته است. رؤس مطالب این مبحث عبارت است از: دشواری جامعه‌فرا صنعتی، ارتباط میان کشورهای فقیر و غنی اطلاعاتی، مشکلات جریان آزاد اطلاعات، حریم خلوت فردی و رسانه‌ها، و جز آنها، به طور مثال، دسترسی به اطلاعات، به ویژه دانش فنی مورد استفاده در بخش تجارت و صنعت، از مشکلات طرح شده در این حوزه است. تضادهای سیاسی و اقتصادی موجود در کار شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی از یک سو، و مشکل تصمیم‌گیری‌های به جا و درست مبتنی بر اطلاعات از سوی دیگر، مستلزم توجه خاص به اصول اخلاقی است. در دیدگاه خرد، به مواردی توجه می‌شود که از درون گروه‌ها ناشی می‌گردد، که در حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی گروه‌های عمده دست‌اندرکار اطلاعات عیارند از: استفاده‌کنندگان، تولیدکنندگان، و توزیع‌کنندگان اطلاعات. برخی مسائل اخلاقی مطرح برای این گروه‌ها عبارت است از مشکلات دستیابی به اطلاعات، امنیت اطلاعات، مبانی اخلاق پژوهش، تدریس، کار اطلاع‌رسانی، حق مولف و جز آنها. به طور مثال، در روابط متقابل میان تولیدکننده پایگاه داده‌ها و پدیدآورنده و ناشر، تولیدکننده پایگاه باید به بازتولید صحیح اسناد بپردازد و ناشران نیز باید آثار خود را به طور مرتب ارسال دارند. تولیدکنندگان پایگاه داده‌ها نیز باید تحت شرایطی که آشکار بیان می‌شود، پایگاه‌ها را برای میزبانان منتخب فراهم سازند؛ یا اگر به طور کلی به تولید می‌پردازند، محصولات خود را، تحت شرایطی یکسان، به همه میزبانان عرضه دارند. میزبانان نیز، از سوی دیگر، باید خدماتی مطلوب، مداوم، مستمر، و اطمینان‌بخش ارائه کنند. در باب استفاده از اطلاعات، تولیدکننده باید اصل محرمانه بودن را رعایت کند. فروشندهگان اطلاعات باید اجازه داشته باشند که از نسخه‌های مطالب جستجو شده جهت نمایش آنها در رسانه‌های ماشین‌خوان، ذخیره‌ای موقتی تهیه کنند؛ اما آنان نیز نباید این نسخه‌ها را بدون داشتن مجوز از تولیدکنندگان داده‌ها به فروش برسانند. تولیدکننده پایگاه داده‌ها باید اطمینان یابد که استفاده‌کنندگان می‌توانند به مدارک موجود در پایگاه داده‌ها دسترسی یابند و فرصت‌هایی نیز برای کارآموزی لازم جهت بهره‌برداری از آنها فراهم گردد. استفاده‌کننده نیز باید بتواند از اطلاعات بهره کامل ببرد، به شرط آنکه تولیدکننده را از لغزش‌هایی که در پایگاه داده‌ها می‌یابد مطلع سازد. میانجیان اطلاعاتی نیز باید اصول اخلاقی را رعایت کنند؛ باید مشتریان را از اصول و فنون به کار رفته در تهیه رسانه‌های اطلاعاتی آگاه سازند؛ سفارش‌هایی را بپذیرند که از نظر حرفه‌ای در تهیه آنها صلاحیت و شایستگی دارند؛ محرمانه ماندن اطلاعات درخواستی را تضمین کنند؛ از رمزواره‌ها، سوای آنچه بدان منظور تعیین شده، برای

1. J. Ladd, "The Quest for a Code of Professional Ethics: an Intellectual and Moral Confusion", in *Ethics Issues in the Use of Computers*, Watfworth, Belmont, 1985, pp. 8-1.
 ۱۱۳. مسأله آزاد، "اخلاق حرفه‌ای"، دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، ص ۱۱۳.

مقاصد دیگر استفاده نکنند؛ اطلاعات شخصی را محرمانه تلقی کنند؛ و هزینه‌ها را در حدی معقول دریافت دارند.

مسائل اخلاقی فناوری های اطلاعاتی

به اعتقاد رابین^۱، توافقی اصول اخلاقی وقتی که در محیط اطلاعاتی امروز به کار گرفته شوند، آشکار می‌شود. دلایلی چند برای این عقیده که این فناوری‌ها ممکن است رفتارهای غیر اخلاقی را تشویق یا حتی ترویج کنند، مطرح شده است. اگر این چنین باشد، پس وابستگی به اصول اخلاقی رسمی ممکن است از مطلوبیت کمتری برخوردار شده و اهمیت نیاز به اندیشه‌های اخلاقی دقیق بیشتر شود. این به معنای چشم پوشی از ملاحظات اخلاقی سنتی نیست، اما فناوری‌های اطلاعاتی جدید می‌توانند باتکلیفی‌های اخلاقی جدیدی را خلق کنند. وی، سپس به بیان برخی از ویژگی‌های این فناوری‌های جدید که ممکن است رفتارهای غیر اخلاقی را ترویج کنند، می‌پردازد که به طور خلاصه عبارتند از:

سرعت بسیار سریع رایانه‌ها: سرعت رایانه‌ها، وسوسه غیر اخلاقی عمل کردن را نیز افزایش می‌دهد، زیرا حاکی از این است که فرد ممکن است بتواند به آسانی هر چه بیشتر از ردیابی شدن فرار کند.

استفاده از رایانه‌ها اغلب به طور ناشناس و خصوصی است؛ از آنجا که بیشتر رایانه‌های شخصی در محیط اداره یا منزل استفاده می‌شوند، چنین حریم شخصی برای فردی که می‌خواهد اعمال غیر اخلاقی انجام دهد، بسیار جذاب است.

دسترسی به رایانه از فاصله دور امکان پذیر است: نتیجه این که، فایلی رایانه‌ای ممکن است توسط فردی در شهر، ایالت یا کشوری دیگر به سرعت برود.

رسانه الکترونیکی بدون تغییر در فایلی معمولاً بسیار آسان است و این وسوسه برای فایلی الکترونیکی به آسانی کمی برداری می‌شود: فراخوانی یا کپی برداری فیزیکی از توجیه به وجود می‌آید که در واقعیت هیچ چیزی روبرو شده است.

تعداد زیادی از افراد به آسانی به هم مرتبط می‌شوند: از آنجا که مخاطبان قابل دسترس، بسیار زیاد هستند و برقراری ارتباط با آنها نیز بسیار آسان است، وسوسه انجام کارهای غیر اخلاقی افزایش یافته است (به طور مثال، ارسال پیام‌های الکترونیکی ناخواسته).

اصول اخلاقی استفاده از رایانه

مسائل اخلاقی به وجود آمده به وسیله رایانه‌ها، از طریق توسعه دستورات دهگانه اخلاقی رایانه‌ای که توسط "موسسه اخلاق رایانه‌ای" توسعه یافته‌اند، آشکارا، تصریح شده است^۱:

نباید از رایانه برای آسیب رساندن به افراد دیگر استفاده کنید؛

نباید در کار رایانه افراد دیگر اخلاص ایجاد کنید؛

نباید در فایلهای رایانه‌ای افراد دیگر تجسس کنید؛

نباید از رایانه برای سرقت استفاده کنید؛

نباید از رایانه برای دادن شهادت اشتباه استفاده کنید؛

نباید از نرم‌افزارهای تملیکی که پولی برای آنها نپرداخته‌اید، نسرقتبرداری کرده و استفاده کنید؛

نباید از منابع رایانه‌ای افراد دیگر بدون اجازه یا ارائه غرامت مناسب، استفاده کنید؛

نباید پرونده‌های فکری افراد دیگر را به خودتان نسبت دهید؛

باید درباره پیامدهای اجتماعی برنامه‌های که می‌فرستید یا نظامی که طراحی می‌کنید، اندیشه کنید؛ و

باید همیشه از رایانه به طریقی استفاده کنید که تضمین کننده ملاحظه و احترام انسان‌های همجوارتان باشد.

این دستورات به منظور جلوگیری از آسیب رساندن به دیگران یا اخلاص در کار آنها و ممانعت از سرقت یا فریب دیگران به وسیله رایانه و تخلف از حق مولف یا به خود نسبت دادن منابع، کسانی که از رایانه‌ها استفاده می‌کنند را راهنمایی می‌نمایند. با افزایش استفاده رایانه‌ها توسط کتابداران، برای آنها مورد توجه قرار دادن این اصول اخلاقی همانند دیگر اصول اخلاقی حرفه‌شان، مطلوب خواهد بود.

البته، بدون تردید، واضح است که حتی اگر بهترین و کارآمدترین قوانین یا اصول اخلاقی تدوین شوند، فقط پای‌بندی اعضا به آنهاست که می‌تواند به برقراری روابط اخلاقی و ایجاد شرایط مطلوب، کمک نماید.

در واقع، برآیند مطالب گنجانده شده در فصل‌های پیشین این کتاب پیرامون اخلاق، علم اخلاق، حرفه‌ای و قوانین اخلاقی را می‌توان در نمودار شماره (۱) به تصویر کشاند.